



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

57

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سرمدبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۹ جولای ۲۰۰۸ - ۱۸ تیر ۱۳۸۷

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد اعتصاب ایران خودرو و واکنش رژیم به حزب

صفحه 8



یادداشت سردبیر

سیاوش دانشور

### تمایزات اجتماعی ما

کارگران کمونیست! این حزب شماست!

اعتصاب ایران خودرو تجربه ای از تاریخ مبارزات جنبش کمونیستی طبقه کارگر است. در این اعتصاب سیاست ناسیونالیستی و راست که کارگران را به ناکجاآباد میفرستد و کارگر را به نیروی جنگ و رقابت سرمایه داران متفرقه تبدیل میکند خبری نبود. حرف طبقاتی و منافع مادی و روشن و صریح کارگران در تقابل با سرمایه داران طرح شد. این اعتصاب در ادامه یک رشته اعتراضات و اعتصابات در شرکتهای تابعه ایران خودرو صورت گرفت. پیروزی نسبی اعتصاب و عقب نشینی کارفرماها و عوامل حراستی تابعی از درجه اتحاد و قدرت بنمایش داده شده کارگران بود. قدرتی که بخش اعظم آن به میدان نیامد و اتحادی که ظرفیتهای بسیار عظیم تری دارد. با اینحال ایران خودرو مثل یک کوه آتشفشان است. نفرت و کینه از سرمایه دار جماعت و مدیران و بخشی از مهندسین خود فروش و تازه بدوران رسیده و حراستی هائی که دم به دقیقه پاچه کارگران را میگیرند موج میزند. ایران خودرو، علیرغم اخراجهای مکرر کارگران فعال و رهبران کارگری، مثل یک بشکه باروت است. این یکی از مراکز مهم صنعتی ایران با نیروئی وسیع است که هر حرکتش تأثیرات تعیین کننده بر کارخانه جات جاده مخصوص و کلا جنبش کارگری ایران دارد.

### اساس سوسیالیسم انسان است

انسان گرایی مارکسیستی منصور حکمت قطب نمای ما



صفحه 10

آذر ماجدی

مصوبات پلنوم سوم حزب؛

### علیه فقر، علیه گرانی!

## وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

کشمکشهای جهانی و مبانی سیاست حزب اتحاد کمونیسم کارگری!

اطلاعیه پایانی پلنوم سوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

صفحه 3

پرچم کمونیستی کارگری  
منصور حکمت برافراشته  
است!

صفحه 7



مرکز مطالعات کمونیسم  
کارگری برگزار میکند:

ایران خودرو،

کمونیسم کارگری، حزب سازمانده - رهبر!

صفحه 17

## اعتصاب

سپهر

صفحه 20

## نامه یک کارگر ایران خودرو

صفحه 15

در صفحات دیگر؛ اینجا غزه نیست، اعتراض پرستاران کرمانشاه، از جاده چالوس، چند خبر و گزارش کارگری از کارخانه های فرش و نساجی سندج، اعتصاب زنان زندانی، جلسه مرکز مطالعات کمونیسم کارگری، فعالین کارگری آزاد باید گردند!

یک خصوصیت این اعتراض و اعتصاب اینبود که با نام کمونیسم طبقه کارگر و حزبش صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تمایزات اجتماعی ما

### کارگران کمونیست! این حزب شماست...

چفت شد. کارفرما و اطلاعات علیه کمونیسم و اعتصابیون هر کاری که توانستند کردند اما شکست را پذیرفتند. لاقال قبول کردند که بخشی از خواست کارگران را قبول کنند تا از تسری اعتصاب و کابوس ضرر نجومی روزانه جلوگیری کنند. طبقه کارگر در یک مرکز مهم کارگری گلوی این سرمایه داران وحشی را گرفت و از حیثیت و حرمت و منافعتش دفاع کرد. کمونیسم به همین سادگی است. کمونیسم برسر تز و تئوری و فلسفه و تاریخ نیست. بقول منصور حکمت اگر تئوری و نقد کمونیستی و مارکسی مغز کمونیسم است، قلب کمونیسم آنجا میزند که علیه فقر و نابرابری و ستمی اعتراض میشود. آنجا که انسان و کارگر معترض نمیپذیرد، گردن نمیگذارد، قبول نمیکند، فریاد میزند، به جنگی میروند، و به ساده ترین شکل و زبان ممکن منافع عمومی کارگر و انسان تحت ستم را فریاد میزند. به این معنا در ایران خودرو کمونیسم صدایش بلند بود. نه فقط در اعتراض برحق کارگرانی که حتی بخشا مذهبی اند، بلکه با سایه و شیخ حزبی که کارفرماها و نیروهای اطلاعاتی شان دم به دقیقه در شمایل و حرکت هر کارگر اعتصابی میجستند. در این اعتراض ما همه ایران خودروی شدیم و بزعم اطلاعاتی ها هر ایران خودروی اعتصابی میتوانست یک سازمانده کمونیست کارگری و "مامور تحریک" حزبی باشد.

بدون شک باید رهبران و فعالین کارگری و خود ما تجارب این اعتصاب را بررسی و تجزیه و تحلیل کنیم تا بتوانیم در اعتراضات بعدی به نقاط ضعفها

سوسیالیستی و رادیکال کارگران بوده است. این کمونیسم نه لازم دارد با کارگر "پیوند" برقرار کند و نه نقش "معلم و عالم" را برای کارگر ایفا کند و نه کارگر را به "بت" تبدیل کند و عوامفریبانه به ستایش اش بنشیند. این کمونیسم، خود اعتراض رادیکال کارگری است. بیان شرافت تاریخی کارگر در مقابل ارتجاع و سیاست همزیستی طبقاتی و دنباله روی از بورژوازی است.

تا به حزب اتحاد کمونیسم کارگری مربوط است، ما موظفیم افق این نوع کمونیسم را در وسیع ترین لایه های طبقه کارگر مسلط کنیم و به شناسنامه اعتراض کارگری در مقیاس وسیع تبدیل کنیم. ما موظفیم هر روز و هر لحظه سیاست مان را بر اساس منافع کارگران بعنوان یک طبقه صیقل دهیم. ما موظفیم نقاط قدرتمان را بشناسیم و نقاط ضعفمان را با جدیتی که شایسته یک کمونیست انقلابی است بسرعت رفع کنیم. این حزب باید به حزب کمونیستهای تبدیل شود که همین منافع را دنبال میکنند و همین سیاستها را در جنبش کارگری اتخاذ میکنند. امروز دیگر تمایزات اجتماعی ما برای هر کسی روشن است. از این منظر میتوان تمایزات فکری و سیاسی و تئوریک ما را بهتر فهمید و با دقت بیشتری به آن نگریست. تمایزات فکری و تئوریک برای ما تنها و صرفا به این اعتبار حائز اهمیت اند. تردیدی نیست که یک انقلابی حتی در بستر بیماری و در واپسین لحظات میخواهد کمونیست بماند و یا از عقاید کمونیستی دفاع کند. این بسیار با ارزش و قابل احترام است. اما کمونیسمی که نتواند منشا

فائق آنیم. اما آنچه در این ماجرا و در ابعادی گسترده مطرح و تثبیت شد، **تمایز اجتماعی و طبقاتی کمونیسم ما** بود. این حقیقت که کمونیسم ما بدون اعتراض کارگر و بستر اعتراضی جنبش کارگری قابل تبیین نیست. این حقیقت که سایه این کمونیسم در مراکز مهم کارگری دنبال بورژوازی است و خودشان موضوع را بحدی جدی دیده اند که ناچار شدند "آزیرها" را بکشند. این حقیقت که خصلت متمیزه و تفاوت کمونیسم کارگری با انواع شبه کمونیسم های تاکنون موجود همین است. این سنت، این خط، این سبک کار، این کمونیسم تنها میتواند به جنگ بورژوازی برود و کارگر را در یک تلاقی سیاسی نمایندگی کند. این کمونیسم تنها میتواند منافعی جدا از کارگر و مبارزه کارگری نداشته باشد. این کمونیسم میتواند دشمن اصلی بورژوازی باشد و هر کسی که با هر چیزی میخواهد مخالفت کند بدوا از این کمونیسم تبری بجوید. این کمونیسم تنها میتواند شایسته نام کمونیسم مارکسیستی و کمونیسم کارگری منصور حکمت باشد. و بالاخره تنها این نوع کمونیسم است که شانس پیروزی دارد و قطنیمایش را به "جنبش اصلاحات" یا "جامعه مدنی" یا "افت و خیر جنبش سرنگونی" یا "بازسازی و عدم بازسازی سرمایه داری" یا هر حرکت بورژوازی گره نمیزند. این کمونیسم است که میتواند سنت اعتراض سوسیالیستی کارگر را تحکیم و قدرتمند کند و بعنوان یک سنت اجتماعی و اعتراضی بازتولید کند و به این اعتبار سد مهمی در مقابل هر تحرک ارتجاعی در جامعه باشد.

کارگر اگر تاریخا منشا حرمت و رفاه و حق در جامعه بوده است به اعتبار این نوع کمونیسم و مبارزه

اعتراض و تغییر و بهبود و امید و شادی و حرمت و آسایش توده وسیع کارگران و انسانهای معاصر ما باشد، هرچه باشد، کمونیسم کارگری نیست.

کارگران کمونیست بسیار بیشتر کمونیسم نوع ما را درک و جذب میکنند و خطاب این چند سطر به همین رفقااست. کارگران کمونیست، رفقای عزیز، این حزب شماست! به حزب تان بپیوندید! نبردهای سهمگین و تعیین کننده در راهند. حزب به شما و شما به حزب نیاز دارید. حزب بدون شما و شما بدون حزب، هر دو، شکست میخوریم. حزب تان را تماما فتح کنید و بعنوان یک سلاح و سنگر استراتژیک در نبرد طبقاتی بکار گیرید. شما رهبران عملی کارگران بهترین و شایسته ترین نمایندگان تشکیل حکومت کارگری هستید. به حزب تان بپیوندید و آگاهانه و نقشه مند به جنگ بورژوازی برویم. این دنیا و این ثروتها مال ماست. جنگ ما برسر آزادی خود ما نیست، برسر اعاده حرمت و هویت انسانی است. تنها طبقه ما و جنبش رهائی بخش اش میتواند بساط فقر و فلاکت و بی حرمتی و بی حقوقی و ستم و تبعیض را ورنه اندازد. تنها پیروزی کمونیستی کارگری میتواند آزادی بیاورد. و این، بدون کارگر و اعتراض رادیکال کارگری و کمونیستی و حزب متشکل از رهبران سوسیالیست و کمونیست کارگران عملی نیست. کارگران کمونیست و سوسیالیست، به حزب تان بپیوندید و شیخ کمونیسم را بالای سر ارتجاع اسلامی سرمایه داران بیشتر به پرواز درآورید. \*

### کارگران، کمونیستها!

به حزب اتحاد کمونیسم  
کارگری، حزب انقلاب  
کارگری بپیوندید!

## اطلاعیه پایانی

## پلنوم سوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری

پلنوم سوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تاریخ ۲۹ ژوئن تا اول ژوئیه ۲۰۰۸ با شرکت اکثریت اعضای کمیته مرکزی، و تعدادی از کادرهای حزب بعنوان ناظر، برگزار شد. پلنوم با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و برابری و سوسیالیسم و بیاد منصور حکمت و پخش سرود انترناسیونال کار خود را آغاز کرد. ابتدا آئین نامه پلنوم تصویب و هیات رئیسه انتخاب شد. سپس دستور جلسه بدیقرا به تصویب رسید: افتتاحیه، دورنما و موقعیت ویژه حزب، گزارش و بررسی عرصه های مختلف فعالیت حزبی در فاصله دو پلنوم ۲ و ۳، قطعنامه ها، حزبیت، سازماندهی و سبک کار حزبی، انتخابات و اختتامیه.

در مبحث افتتاحیه، دورنما و موقعیت ویژه حزب، علی جوادی با نگاهی به فعالیت یک ساله حزب بر ویژگی ها و تفاوت های حزب با سایر جریانات کمونیست کارگری تاکید گذاشت و توجه پلنوم را به مساله کلیدی چگونگی اجتماعی شدن حزب جلب کرد. او تاکید کرد که راه اجتماعی شدن حزب نه چرخش به راست و رقیق کردن رادیکالیسم مان، نه ائتلاف با جریانات غیر کمونیست کارگری، بلکه جلب و جذب رهبران عملی و رادیکال سوسیالیست طبقه کارگر به حزب است.

## آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

حزب بدل شده است، ضعف بنیه مالی حزب است. پلنوم متعهد شد که تلاش جدی خود را معطوف رفع این مانع سازد و با تمام قوا برای گسترش امکانات مالی حزب بکوشد.

سیاوش دانشور در گزارش خود اعلام کرد که نشریه برای یک دنیای بهتر به یکی از پرخواننده ترین نشریات سازمانی بدل شده است. درخواست علاقمندان در ایران و خارج برای دریافت نشریه، بالا رفتن مراجعه به سایت حزب برای دریافت نشریه و نامه های بسیاری که برای نشریه میرسد همه بر این واقعیت تاکید دارد. یکی از افتخارات ما این است که ۹۰ درصد اخبار کارگری توسط فعالین حزب به دست ما میرسد. بویژه در چند ماه اخیر حزب هر روزه چندین اطلاعیه کارگری منتشر کرده است. این حاصل جنبی ارتباط تنگاتنگ و نزدیک حزب با جنبش کارگری است. وی تاکید کرد که گسترش تبلیغات حزب بوسیله افزایش پوشش تلویزیونی و رادیو و انتشارات باید بطور جدی مورد توجه حزب قرار گیرد.

نسرین رمضانعلی بر گسترش بسیار چشمگیر ارتباط حزب با رهبران کارگری و جلب اعتماد آنها به حزب و سیاست های اصولی، کمونیستی و غیرسکتاریستی ما تاکید گذاشت. وی اول ماه مه را بعنوان یکی از نقاط قدرت حزب و پتانسیل بسیار قدرتمند حزب برای رشد مورد اشاره قرار داد و همچنین اعلام کرد که حزب توانسته است در مبارزات کارگری و اعتصابات معینی نقش مسئولانه ایفاء کند. در این گزارش بر پتانسیل های حزب برای دخالت گسترده در جنبش کارگری و توجه رهبران کارگری به خط مشی و سبک کار حزب و نقشه عملهای ما تاکید شد.

توجه حزب در ابتدا متوجه امر سازماندهی در داخل کشور بود. اخیرا حزب به مساله ساختن تشکیلات حزب در خارج توجه جدی میزول داشته است. ساختن سازمان حزبی در خارج کشور، جاری کردن فعالیت های روتین، دریافت مرتب حق عضویت ها، تشکیل جلسات روتین حزبی و تامین حضور حزب در خارج کشور چه در رابطه با ایرانیان مقیم خارج، چه در رابطه با جامعه علی العموم پلاتنوم حزب در خارج است که باید با جدیت تمام پیاده شود. ضعف سازمان حزبی یکی دیگر از نکات مورد بحث بود که بطور متمرکز تری در مبحث حزبیت، سازماندهی و سبک کار مورد بحث قرار گرفت.

سیروان قادری گزارش کوتاهی در مورد تشکیل دفتر دفاع از حقوق پناهندگی به پلنوم ارائه داد. او تاکید کرد که در همین مدت کوتاه بخصوص در ترکیه استقبال بسیاری از جانب پناهجویان از دفتر ابراز شده و اولین شماره نشریه آن یونی تی Unity با استقبال غیر قابل انتظاری روبرو شده است. در این زمینه به رؤس سبک کار و نوع فعالیت دفتر تاکیدانی شد.

مجید پستچی در مورد فعالیت کمیته آی تی حزب گزارش مختصری ارائه کرد. یکی از نکات مهم این است که کمیته آی تی توانسته است علیرغم تلاش های بسیار رژیم اسلامی و حملات متعدد آن به سرور ما، سایت حزب را کاملا در دسترس علاقمندان در ایران باز نگاه دارد. مراجعه به سایت حزب هر روز گسترش یافته است. به این ترتیب ما توانسته ایم آثار منصور حکمت را نیز در دسترس علاقمندان بگذاریم. بسیاری از علاقمندان سایت به آثار منصور حکمت مراجعه میکنند.

مبحث بعدی قطعنامه و قرارها بود. در این بخش سه قطعنامه ۱- کشمکشهای جهانی دو قطب تروریستی

آذر ماجدی در بخش گزارش تشکیلات خارج کشور گفت که

بعلاوه درباره روند جلسات دفتر سیاسی و لزوم برگزاری جلسات بیشتر حضوری تاکید شد.

طی پلنوم کمیته های مختلف حزبی، از جمله کمیته سازمانده و خارج کشور جداگانه جلسات خود را برگزار کردند. همچنین دفتر دفاع از حقوق پناهندگی نیز جلسه ای تشکیل داد.

عصر روز سه شنبه اول ژوئیه بدعوت آذر ماجدی رفقای شرکت کننده در پلنوم بعلاوه تعداد دیگری از دوستان منصور حکمت طی مراسمی یاد منصور حکمت را در شمشین سالگرد درگذشت وی گرامی داشتند. ابتدا فیلم سخنرانی منصور حکمت در کنفرانس سالیانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری در سال ۱۹۹۹ پخش شد که با استقبال بسیار شرکت کنندگان مواجه شد. سپس تعدادی از دوستان، از جمله آذر ماجدی، سیاوش دانشور، علی جوادی، نسرین رضاعلی، پروین کابلی، شهلا نوری و علی طاهری در مورد منصور حکمت، نقش او در جنبش کمونیستی ایران، شخصیت او بعنوان یک لیدر کمونیست سخنرانیهای کوتاهی ایراد کردند.

پلنوم سوم حزب نشست رهبری یک جریان کمونیستی درگیر در جنبش کارگری بود که افقهای بزرگ و وظایف سنگین را در مقابل خود گذاشت. حزب در مدت کوتاه تشکیل اش با اتکا به قطب نمای کمونیستی کارگری اش توانسته مکان و جایگاه شایسته یک حزب کارگری و مارکسیست را پیدا کند. اجتناب از هر نوع افق محدود، نقد مستمر دیدگاهها و سبک کار چپ رادیکال، توجه به وظایف بزرگ، شادابی و تعجیل، خصلت انتقادی، و طرح نقشه های کار در مقیاس بزرگ، مشخصات این پلنوم بود. پلنوم سوم حزب بعد از سه روز کار فشرده با موفقیت به کار خود پایان داد.

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۳ ژوئیه ۲۰۰۸

خواهان فعالیت با حزب میشود. این فقط یک نمونه کوتاه از تأثیرات آثار مهم منصور حکمت است.

در مبحث انتخابات ابتدا ۷ تن از کادرهای حزب در داخل کشور بعنوان مشاور کمیته مرکزی توسط پلنوم انتخاب شدند که بدلائل امنیتی از ذکر اسامی آنها خودداری میشود.

سپس علی جوادی باتفاق آراء بعنوان دبیر کمیته مرکزی و ۷ تن از رفقا به دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند. اسامی رفقای منتخب دفتر سیاسی بدینقرار است: علی جوادی، سیاوش دانشور، نسرین رضاعلی، مریم کوشا، آذر ماجدی، سعید مدانلو و شهلا نوری.

بعنوان اختتامیه علی جوادی در مورد افق حزب و اولویت های آن مختصراً صحبت کرد. وی تاکید کرد که باید اهرم و مکانیزمی را بدست بگیریم که بتوانیم حزب را سریعاً گسترش دهیم، بدون آنکه در افق مان ذره ای تخفیف دهیم و به راست بچرخیم. ما باید بکوشیم که به بستر اصلی مبارزه جنبش کمونیسم کارگری بدل شویم. بار سنگینی بر دوشمان است. باید به پیش برویم. باید کمونیسم مارکس و منصور حکمت را اجتماعی کنیم. کار ما سنگین اما شیرین است.

پلنوم با دریافت خبر تهدید کارگران اعتصابی ایران خودرو توسط حراست کارخانجات ایران خودرو، که طی آن به حزب اتحاد کمونیسم کارگری اشاره شده بود به پایان رسید.

دفتر سیاسی پس از پایان پلنوم جلسه کوتاهی برگزار کرد. در این جلسه رفقا علی جوادی، سیاوش دانشور و آذر ماجدی باتفاق آراء بعنوان هیات داور دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند.

## اطلاعیه پایانی

### پلنوم سوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری...

وظیفه ما است که این ضربه را ترمیم کنیم. اهمیت و حرمت حزبیت کمونیستی کارگری را دگر بار تحکیم کنیم و برای ساختن یک حزب سیاسی مدرن کمونیستی کارگری با تمام قوا بکوشیم. در این رابطه قرار زیر باتفاق آراء به تصویب رسید:

"پلنوم سوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر ضرورت ایجاد ساختمان حزبی و جاری کردن همه جانبه مقررات و انضباط مصوب حزب در پیشبرد اهداف کمونیستی تاکید دارد."

در زمینه سبک کار تاکید بر این بود که جهت گیری تاکتونی حزب درست بوده است. اجتناب حزب از آکسیونیسیم از یک سو و دنباله روی از شرایط و اعتراضات از سوی دیگر، و تمرکز بر امر سازماندهی جنبش طبقه کارگر یک امر تصادفی نبوده است. کمونیسم ما از ضرورت و میرمیت تغییر جهان حرکت میکند. حزب با آگاهی کامل در این جهت گام برداشته است. در این بخش تاکید شد که کمیته سازمانده اساس فعالیت حزبی و مهمترین ارگان حزب ماست. در این بحث نکات مهم و متعددی مطرح شد و بویژه امر جذب رهبران عملی کارگری و رادیکال سوسیالیست بمثابه مکانیزم اجتماعی شدن حزب از زوایای مختلف مورد تاکید قرار گرفت. پلنوم تصریح کرد که آثار و تأکيدات منصور حکمت در زمینه سیاست سازماندهی و مباحث حزب و جامعه بهترین قطب نمای ماست. در این رابطه نسرین رضاعلی به یک اتفاق جالب توجه اشاره کرد. وی گفت که اخیراً در ارتباطی با یک رهبر کارگری کتاب منصور حکمت در مورد سیاست سازماندهی را در اختیار او گذاشته است. این رفیق کارگر پس از دو روز به نسرین میگوید: "دو روز است که چشم بر هم نگذاشته ام. تاکنون کمونیسم را به این روشنی و سادگی نفهمیده بودم." و سپس

توسط علی جوادی؛ ۲- علیه گرانی و فقر و وظایف جنبش کمونیستی طبقه کارگر توسط سیاوش دانشور و ۳- سازمانیابی صفوف کمونیسم کارگری در شرایط کنونی توسط آذر ماجدی به پلنوم ارائه شد.

پلنوم کلیات قطعنامه "کشمکش های جهانی دو قطب تروریستی" را با یک رای منفی و کلیات قطعنامه "علیه گرانی و فقر" را باتفاق آراء به تصویب رساند. تهیه متن نهایی هر دو قطعنامه با توجه به پیشنهادات مطرح شده به هیات داور دفتر سیاسی سپرده شد. قطعنامه سوم در باره پروژه اتحاد کمونیسم کارگری و ارزیابی از آن بود. پلنوم در مورد پروژه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری بحث کرد و ضمن تائید تلاشهای مسئولانه و تاکتونی حزب در این عرصه و ارزیابی مثبت از نتایج تاکتونی آن، تهیه سندی مبسوط تر را به دفتر سیاسی حزب واگذار کرد.

مبحث بعدی که زمان نسبتاً زیادی به بحث در مورد آن اختصاص یافت، حزبیت، سازماندهی و سبک کار حزب بود. این مباحث ابتدا توسط علی جوادی، آذر ماجدی و سیاوش دانشور معرفی شدند و سپس رفقا مفصلاً در بحث شرکت نمودند. طی بحث عمدتاً بر نقاط ضعف حزب در این قلمروها تمرکز شد و روش های رفع نواقص مورد بحث قرار گرفت. رفقا در مباحث خود بر این نکته تاکید داشتند که ظرف چند سال اخیر، بعلت اختلافات درون حزب کمونیست کارگری که به انشعاب و جدائیها درون صفوف کمونیسم کارگری منجر شده است، حزبیت بطور کلی ضربات بسیاری متحمل شده است. حرمت و ارزش حزبیت به زیر سوال رفته است. دوقطبی رابطه حزب و فرد بطرز ناموجهی مطرح شده است. این

## علیه گرانی و فقر! وظایف فوری کمونیسیم و طبقه کارگر

مصوب پنوم سوم حزب به اتفاق آرا، ژوئن ۲۰۰۸

طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسیم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی در مقابل آن ارائه دهند. واقعیت اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرک و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و فلاکت، ترسیم افق و سازمان و رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶- کمونیسیم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکتبار اقتصادی قرار گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست. ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی

نظام سرمایه داری را مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مشتی کانگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیائی است که بر تمام امکانات جامعه چنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگارد دولت کارش را بکند و نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است. سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنبالچه کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسیم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، در عین حال که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵- مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات

جانب بالائی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزند. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. تحمیل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است.

۳- نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوائی اپوزیسیون نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. اپوزیسیون پرو غرب نه تنها وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی-اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ جناحی می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصیان مردم علیه رژیم تلفی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسیم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزیی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دائمی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی بتوانند حاکمیت سرمایه و رژیمشان را در تحمیل فقر و فلاکت بیشتر عقب برانند، به همان درجه شرایط برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپائی یک انقلاب عظیم کارگری علیه وضع موجود فراهم تر میشود.

۴- حزب اتحاد کمونیسیم کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر،

۱- گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوءتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدبگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکار سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکتهای پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکفی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم اندازی واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲- با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوائی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسحگویی به فشار پائینی ها از

## کشمکشهای جهانی و

# مبانی سیاست حزب اتحاد کمونیسم کارگری!

با اکثریت آراء و یک رای منفی در پلنوم سوم حزب به تصویب رسید

تضعیف اسلام سیاسی و رژیم جمهوری اسلامی بلکه به زمینه ای برای تقویت کل جنبش اسلامی منجر خواهد شد. اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در شرایطی که رژیم اسلامی در یک بن بست اقتصادی و فلج سیاسی قرار دارد و توده های مردم خطر سرنگونی را در بالای سر رژیم قرار داده اند، یک مانده آسمانی برای رژیم منحوس اسلامی است. جمهوری اسلامی از جنگ برای سرکوب شدیدتر و خونین تر مردم و جنبش سرنگونی توده های مردم بهره برداری خواهد کرد.

۵- مبانی سیاست حزب اتحاد کمونیسم کارگری و طبقه کارگر در تقابل با سیاست و منافع دو اردوی تروریستی و اهداف جنگ تروریستهاست. این جنگ تماما بر ضد منافع بشریت آزادیخواه و متمدن است. منافع این بشریت در گرو شکل گیری سازمان یافته یک قطب سوم در مقابل این دو قطب تروریستی و عرض اندام کردن آلترناتیو کمونیسم کارگری است. حزب اتحاد کمونیسم کارگری سیاست آن دسته از نیروهایی را که در تقابل با جمهوری اسلامی به "همسویی" با قطب تروریسم دولتی متمایل میشوند و یا آن دسته از نیروهایی که در تقابل با قدرتی امپریالیستی به همسویی با اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی گرایش می یابند، قاطعانه نقد و افشاء خواهد کرد.

۶- حزب اتحاد کمونیسم کارگری سیاست تحریم اقتصادی و تجاری را یک سیاست ضد انسانی میداند. این سیاست آمریکا و متحدینش مستقل از تاثیراتش بر ثبات و بی ثباتی رژیم اسلامی، باید بعنوان یک اقدام زیانبار برای مردم ایران بدون هیچ ابهامی محکوم شود. وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی مردم نتیجه محتوم این سیاست است. قربانیان فوری این سیاست نه رژیم اسلامی، بلکه توده وسیع مردم کارگر و کم درآمد در ایران خواهند بود. این تصور که اعمال فشار بر مردم و به استیصال کشیدن آنها گامی در جهت سرنگونی رژیم

منشاء قدرتگیری شان است. برای اسلاميون مشقات مردم فلسطين کوچکترین ربطی به ارتجاع تروریستی ندارد. این تقابل در حال حاضر از اصلی ترین جدالهای جهان معاصر است. تداوم تقابل تروریستی میان دو قطب تروریسم عواقب جهانی و منطقه ای خطیری دارد. این جدالی گسترده و همه جانبه است و از هم اکنون میتوان مهر این تقابل را بر آرایش و بر کلیه وحدت های سیاسی و نظامی و فرهنگی و مذهبی دولتها و جریانات درگیر میتوان مشاهده کرد. کل دستگاه اسلام در مقابل دستگاه مسیحیت و یهودیت صف آرایی کرده است. این جدال تاکنون سیمای سیاسی و فکری جهان و منطقه را دستخوش تغییرات عمیقی کرده است و مانند هر تقابل جهانی فراز و نشیبهای خود را دارا است. تقابل سیاسی، سازش موقت، مذاکره، تحریم اقتصادی و تجاری و مالی و جنگ، از عرصه های متفاوت این رو در روی ارتجاعی است. جبهه های اصلی این تقابل در حال حاضر عراق، فلسطین، لبنان، افغانستان و ایران است. رژیم اسلامی و هیات حاکمه آمریکا در مرکز این دو قطب و تقابل جهانی قرار دارند. تقسیم قدرت، تغییر توازن قوای سیاسی و جغرافیای سیاسی منطقه از پی آمدهای اجتناب ناپذیر این جدال است.

۴- جدال میان این دو قطب تاکنون قربانیان بسیاری داشته است. اما مخاطرات احتمالی آتی ابعاد بسیار فجیع تری خواهد داشت. چنانچه این کشمکش به جنگ و حمله نظامی به ایران منجر شود، ابعاد فاجعه ای که بر مردم تحمیل میشود، بسیار وحشتناک خواهد بود. اما جنگ نه به

اند. در یک طرف، عظیم ترین ماشین تروریسم و ارباب بین المللی متشکل از هیات حاکمه آمریکا و متحدینش در ناتو و همچنین دولت اسرائیل قرار دارند. در این اردوگاه، غرب با تمامی زرادخانه نظامی و تبلیغاتی - ایدئولوژیک خود عرض اندام میکند. کشتار در افغانستان، فلسطین و عراق تنها گوشه ای از کارنامه تروریسم دولتی است. در قطب مقابل، تروریسم اسلامی و جنبش ارتجاعی و کثیف اسلام سیاسی قرار گرفته است. اسلام سیاسی که زمانی دست پرورده و مخلوق آمریکا و غرب در جنگ سرد و ابزار سازماندهی ارتجاع بومی علیه چپ در جوامع خاورمیانه بود، اکنون به یک قطب فعال تروریسم بین المللی و یک پای جنگ قدرت بورژوازی در خاورمیانه و در تقابل با اردوی تروریسم دولتی غرب بدل شده است. تاریخ ضد انسانی تحرک اسلام سیاسی لیست طولی از نسل کشی ها و جنایات تکان دهنده و تروریسم و آدمکشی را شامل میشود.

۳- این جدال از هر دو سو یک جنگ قدرت است. برای آمریکا، مساله اصلی تثبیت و گسترش هژمونی و سلطه سیاسی و نظامی اش بر جهان بعنوان تنها ابرقدرت است. در مقابل نیز، جریان اسلام سیاسی برای بقاء و حفظ موقعیت خود و نهایتاً برای گسترش موقعیت خود در ساختار قدرت بورژوازی در کشورهای خاورمیانه تلاش میکند. تروریسم و دشمنی کور با هرچه رنگی از غرب و غربگرایی دارد سرمایه اسلام سیاسی در میان مردمی است که دول آمریکا و اسرائیل را بدرست بعنوان عاملین اصلی بیحقوقی و محرومیتهای خود میشناسند. تروریسم ابزار اصلی جریانات اسلامی برای تمهیک شکاف های ملی، قومی و مذهبی در خاورمیانه و زنده نگاهداشتن این کشمکش بعنوان سرمایه سیاسی و

۱- با سقوط بلوک شوروی در پایان دهه هشتاد، ساختار پیشین قدرت و جدال در سطح بین المللی، که بر تقابل نظامی، سیاسی، اقتصادی، و ایدئولوژیک دو بلوک غرب و شرق مبتنی بود، فرو ریخت. با این تحولات عملاً دوران جهان دو قطبی جنگ سرد و تقابل جهانی ای که به مدت نیم قرن پایه ای ترین مشخصه اوضاع سیاسی جهان را تشکیل میداد، به پایان رسید. به همان میزان که شرایط سیاسی، اقتصادی و فکری ناشی از جنگ سرد حیات مادی و معنوی بشریت زمان خود از اروپا و آمریکای صنعتی تا پرت ترین مناطق جهان را قالب زد، شرایط حاصل از تحولات دو دهه اخیر نیز زندگی نسلهای کنونی و بعد را در تمام شئون تحت تاثیر قرار خواهد داد. یک پی آمد سقوط بلوک شرق و پایان جنگ سرد، تحرک جدید نیروها و جنبشهای اجتماعی از پیشرو و انقلابی تا ارتجاعی و مذهبی و قومپرست در سطح جهان در جهت پر کردن خلاء ایجاد شده است. تلاش آمریکا برای تامین هژمونی سیاسی خود بمثابه تک ابر قدرت جهان، تلاش نیروهای اسلام سیاسی برای گسترش حوزه نفوذ و قدرت سیاسی خویش در منطقه و تلاش طبقه کارگر و سوسیالیسم برای ارائه راه حلی متمایز و انسانی از وجوه مهم این کشمکشها در سطح جهان و منطقه است.

۲- جهان با واقعه ۱۱ سپتامبر وارد فاز و دوره جدیدی از تحولات بین المللی و پیراناساز شد. تروریسم و میلیتاریسم به یک وجه مشخصه این دوره تبدیل شده و یک سیر عقب گرد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دنیا تحمیل گردید. در دو سوی این کشمکش ضد بشری، دو اردوی اصلی تروریسم بین المللی قرار گرفته

## کشمکشهای جهانی و

## مبانی سیاست حزب اتحاد کمونیسم کارگری ...



### پرچم کمونیستی کارگری منصور حکمت برافراشته است!

عصر روز سه شنبه اول ژوئیه، بدعوت آذر ماجدی رفقای شرکت کننده در پلنوم سوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری و تعداد دیگری از دوستان منصور حکمت، طی مراسمی یاد منصور حکمت را در ششمین سالگرد درگذشت وی گرامی داشتند.

ابتدا فیلم سخنرانی منصور حکمت در کنفرانس سالیانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری در سال ۱۹۹۹ پخش شد که با استقبال بسیار شرکت کنندگان مواجه شد. سپس تعدادی از دوستان از جمله؛ آذر ماجدی، سیاوش دانشور، علی جوادی، نسرین رضانعلی، پروین کابلی، شهلا نوری و علی طاهری در مورد منصور حکمت، نقش او در جنبش کمونیستی ایران، شخصیت او بعنوان یک رهبر کمونیست سخنرانیهای کوتاهی ایراد کردند.

در این سخنرانیها که هر کدام گوشه ای از دیدگاهها، شخصیت، سنت سیاسی کارگری و مارکسیستی منصور حکمت را منعکس میکرد، بر این نکته تاکید شد که جای خالی منصور حکمت بعنوان یک رفیق، یک همسنگر، و یک انسان عمیقاً دوست داشتنی همواره خالی است. اما بهترین بزرگداشت منصور حکمت؛ یعنی آنچه که خود او تا آخرین اظهار نظرهایش بر آن مصرانه تاکید داشت، تبدیل کمونیسم کارگری به یک انتخاب و یک آلترناتیو اجتماعی کارگری برای آزادی جامعه است.

تبدیل حزب به ظرف اعتراض کارگر علیه سرمایه، سازماندهی انقلاب کارگری، سرنگونی نظام بورژوازی و برقراری جهانی انسانی و آزاد و خوشبخت و بدون طبقات و بردگی مزدی، هدفی بود که منصور حکمت سالیان طولانی برای آن دویید و نوشت و جنگید. در فقدان او، این بار روی دوش ماست که آن را به مقصد برسانیم. ما در این راه گامهای سنجیده و آگاهانه برداشته ایم و امروز بورژوازی هار و مزدوران اطلاعاتی اش دارند از حزب منصور حکمت و نفوذ آن در میان کارگران کشور تبری میجویند. این اما شروع کار ماست. ما با پراتیک گسترده دیدگاههای مارکسیستی و کارگری منصور حکمت و تبدیل آلترناتیو کمونیستی کارگری به یک انتخاب واقعی آزادی جامعه، یادش را گرامی میداریم.

منصور حکمت در اعتراض کارگر و انسان منکوب شده علیه این نظام جهانی زنده است. پرچم کمونیستی کارگری منصور حکمت برافراشته است!

یاد عزیز منصور حکمت همیشه گرامی است!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۴ جولای ۲۰۰۸ - ۱۴ تیر ۱۳۸۷

اسلامی است، تصویری بیمارگونه و ضد اجتماعی است که فقط در چهارچوب تفکر فرقه ای جریانات حاشیه ای و ناسیونالیستهای قوم پرست و عظمت طلب قرار میگیرد.

۷- سیاست حزب اتحاد کمونیسم کارگری در قبال مذاکرات و عادی سازی مناسبات دیپلماتیک دولتهای ایران و آمریکا، برخلاف راستها و ناسیونالیستهای طرفدار حمله به ایران و برخلاف جریانات "ضد امپریالیست" و نیروهای جنبش ملی - اسلامی، متکی بر استراتژی مقابله با هر دو قطب تروریستی است. برقراری هر درجه از روابط دیپلماتیک میان جمهوری اسلامی و آمریکا، با اعتراض و مخالفت ما، بعنوان کمونیستهای دشمن اسلام و رژیم اسلامی و اسلام سیاسی و مخالف میلیتاریسم و هژمونیسم آمریکا روبرو خواهد شد. بعلاوه، برقراری مناسبات دیپلماتیک در شرایطی که مردم در کمین رژیم نشسته اند، نفس بقاء حکومت اسلامی را بیش از پیش زیر سؤال خواهد بود. تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران و مبارزه علیه قدری و میلیتاریسم چهارچوب استراتژی سیاسی حزب در هر شرایطی است. در عین حال تلاش برای جلوگیری از بند و بست آمریکا و دولتهای غربی با دولتها و جریانات اسلامی یک وجه سیاست ما در قبال هر دو قطب تروریسم جهانی است. بعلاوه حزب اتحاد کمونیسم کارگری تاکید میکند که جمهوری اسلامی دولت مشروع مردم در ایران نیست. یک رکن سیاست حزب در عرصه جهانی تلاش برای رد اعتبار نامه رژیم اسلامی به عنوان دولت ایران و اخراج مقاماتش از همه نهادهای بین المللی است.

۸- حزب اتحاد کمونیسم کارگری در این تقابل جهانی، بشریت متمدن را نمایندگی میکند و پرچمدار مبارزه برای آزادی و برابری و رفاه همگانی است. ما برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و علیه گسترش دامنه تحرک اسلام سیاسی و همچنین علیه برقراری نظم نوین ارتجاعی و قدرقدرتی امپریالیستی در سطح جهان و منطقه، هر دو، مبارزه میکنیم. برای کمونیسم کارگری تنها یک "همسویی" ممکن است و آن همسویی با منفعت انقلاب کارگری و امر آزادی و برابری و رفاه همگانی است.

## علیه گرانی و فقر!

### وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر...

علیه فقر و فلاکت اقتصادی برافراشت.

۷- حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطیر جلب میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

\*\*\*



اینها البته مهم اند و تلاش حزب ما اینست که روی خط درستی جامعه را بسیج کند و بمیدان بکشد. اما اعتراض کارگر و پرولتاریای صنعتی در مراکز مهم کارگری جایگاه بسیار تعیین کننده ای در استراتژی هر حزب کمونیستی جدی دارد که برنامه کاری را در دست دارد و به کارگر بعنوان مجسمه بودا برخورد نمیکند.

یک نکته دیگر که در یادداشت سردبیر همین شماره در مورد آن نکاتی را طرح کرده ام، تمایز اجتماعی و طبقاتی ما بعنوان یک جریان کمونیستی کارگری با جریانات مختلفی است که خود را چپ و سوسیالیست و کمونیست میدانند. حزب ما به اعتبار مکان اجتماعی و طبقاتی محکمش و به اعتبار جزئی لاینفک از اعتراض کارگری علیه سرمایه داری ساخته شده و فعالیت میکند. تمایزات فکری و سیاسی و تئوریک ما تنها به این اعتبار و صرفا از این موضع اجتماعی و طبقاتی اهمیت دارند. پراتیک ما نیز صرفا و اساسا به این اعتبار قابل بررسی و تبیین است. راستش ما کسی و جریانی را کمونیست میشناسیم و شایسته این نام میدانیم که در چنین جایگاهی باشد. در غیر اینصورت در تاریخ کم نبودند انسانهای شریف و جریانات واقعا انسان دوست و خیرخواه مردم و حتی مدرن و پیشرو که نتوانستند منشا اثر خاصی در زندگی نسل معاصر خود باشند. اگر چیزی کمونیسم کارگری مارکسی و حکمتی را از همه این نوع کمونیسمهای طبقات دارا جدا میکند، همین تمایزات اجتماعی و طبقاتی است که دیگر زیاد نیاز به اثبات تئوریک آنها نیست. کارگر

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

### اعتصاب ایران خودرو و واکنش رژیم به حزب

استراتژی قدرتگیری کمونیسم، ما اعلام کردیم که جنگ را باید در زمین حریف برد. ما به زمین آنها رفتیم و بغل گوششان و هر جا که بتوانیم حلقوم سرمایه داران و نظامشان را میگیریم. ما جزو چپ های بی آزار و حکیم باشی هائی نیستیم که برای کارگران نسخه میپیچند و آنها را به آینده ای که گویا روزی خواهد آمد دعوت کنیم. برای ما حرمت کارگر، زندگی همین امروز خانواده کارگر و انسان محروم، حق و آزادی و رفاه و سلامتی و بهداشت و آموزش بلافاصله مطرح است. و اگر دستیابی به هر ذره آزادی و رفاه جنگ و نبرد و تلاش و سازمان و رهبری و مسئولیت میخواهد، حزب کمونیستی علی القاعده باید گروه خودش به همین کارها بخورد. نکته مهمتر اینست که باید دشمن را در سنگرهای استراتژیک مورد حمله قرار داد. ما بعنوان کمونیست و مارکسیست و فعالین جنبش سوسیالیستی کارگران، هر جا کارگر علیه سرمایه اعتراض میکند وجود داریم. مهم نیست کادرهای سازمانده حزبی جایی هستند یا نه، افق و سیاست و خط مشی ما در اعتراض رادیکال کارگری وجود دارد و اعتراض رادیکال کارگری علیه وضع موجود یک داده اجتماعی و طبقاتی است. اگر فاصله ای فیزیکی جانی بین ما بعنوان حزب با توده کارگران معترض یا رهبران کارگری وجود دارد، این تنها ناشی از اختناق و کشتاری است که رژیم اسلامی از کمونیستها و رهبران کارگری کرده است. با اینحال سیاست ما رفتن به زمین دشمن و جنگ در زمین دشمن است. اگر امروز هوار اینها از "تحریکات" حزب بالا میروند، تنها نشان این است که حزب به حال زده است. اما اگر از فردا میخواهند بر هر اعتصاب و اعتراض کارگری "داغ لعنت" کمونیستی بزنند، اگر خط شان اینست که هر کارگر معترض را با اتهام کمونیست کارگری و وابستگی به حزب اتحاد

یک دنیای بهتر: اعتراض کارگران ایران خودرو یک اعتصاب مهم در یکی از بزرگترین مراکز کارگری است. رژیم واکنش ویژه ای به حضور حزب اتحاد کمونیسم کارگری در این اعتراضات کرده است. این اعتراض چه جایگاهی در استراتژی عمومی حزب برای پیشروی دارد؟

**سیاوش دانشور:** واکنش اطلاعات رژیم زیر فشار صورت گرفته است. اینها به سادگی نام یک نیروی اپوزیسیون کمونیست و انقلابی را حتی با پیشوند اسلامی "گروهک" به زبان نمی آورند. قبل از پاسخ به سوال یک نکته را باید تصریح کرد: در مواردی جمهوری اسلامی برای تراشیدن بهانه و پرونده سازی و نهایتا سرکوب یک مبارزه برحق دست به چنین اقداماتی میزند. اما در این مورد معین، ظاهرا اطلاعات حضرات فراتر از ایران خودرو است. عنوان کردند که حزب ما در سطح کشور در مجموعه های صنعتی موثر و در حال پیشرفت مشغول "تحریک" است و اقداماتی در دستور دارد. اینجا میتوانم با اطمینان به سران حراست و اربابانشان در نهادهای دیگر اعلام کنم که روش کار ما به گونه ای نیست که بتوانند حتی یک کارگر را با این عنوان بگیرند و بکوبند. اما مستقل از این موضوع اهداف و سیاست ما نیاز به کشف برادران اطلاعات و "سربازان گمنام امام زمان" ندارد. هدف ما روشن است: ما به این حکومت و نظام منحوس طبقاتی سرمایه داری اعلام جنگ کرده ایم. ما با اینها در حال جنگیم. ما اعلام کرده ایم که برای به میدان کشیدن کارگر بعنوان یک طبقه، سازماندهی انقلاب کارگری و جارو کردن نظام سرمایه داری تلاش میکنیم. از نظر سیاسی و روش کار و



بخشهای با نفوذ کارگری و جامعه، جوش خوردن و تنیده شدن با اعتراضات مهم کارگری و اجتماعی، سازماندهی و هدایت سیاسی اعتراضات گرهی، فراخوان به اعتصاب و اعتراضات توده ای و سازماندهی قیام و انقلاب کارگری، از مراحل چنین نقشه عملی هستند. یک رکن مهم پیشبرد این استراتژی، تاکید ویژه حزب برای تنیده شدن با محافل و شبکه های کارگران رادیکال سوسیالیست و تامین هژمونی سیاسی این گرایش در صفوف جنبش کارگری است. از این رو سیاست ما برای اجتماعی شدن اساسا متکی بر جلب و جذب رهبران کارگری و ایجاد تحزب حزبی در صفوف کارگران رادیکال - سوسیالیست است.

در حال حاضر حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمتابه حزبی متفاوت از سایر احزاب کمونیسم کارگری که بیانگر منافع عمومی کل جنبش کمونیسم کارگری و مصالح طبقه کارگر است، شناخته شده است. عکس العمل و واکنش رهبران کارگری که در این مدت با ما تماس گرفته اند و به ما پیوسته اند، تاکید بر این سیاست است. ما حزبی برای تحکیم و اتحاد صفوف کمونیسم کارگری هستیم. هیچ رگه سکتاریستی و فرقه گراییه ای در سیاست و استراتژی این حزب وجود ندارد. کمبودهای ما بسیارند، ما دارای امکانات محدودی هستیم. اما حزبی رو به رشد و امید کمونیسم کارگری برای سازماندهی و تبدیل کمونیسم کارگری به نیرویی سازمانده و رهبر یک انقلاب عظیم کارگری هستیم.

گسترش نفوذ و نقش کمونیسم کارگری "سازمانده و رهبر" که توانسته است نقش و جایگاه قابل ملاحظه ای در مراکز کارگری "موثر" داشته باشد، به هراس افتاده است. دارند به "خودی" هایشان هشدار میدهند. از وجود "شبحی در حال گشت و گذار" بر فراز مراکز موثر کارگری "در سطح کشور" خبر میدهند. از اینکه رهبران موثر کارگری به این رگه از کمونیسم و تحزب کمونیستی جلب شوند، لرزه بر اندامشان افتاده است. برای ما اما این پراتیک نشان دهنده حقانیت تاکید ما بر سیاست استراتژی سازمانی کمونیسم کارگری و اولویتهایی است که منصور حکمت در پلنوم ۱۴ حزب کمونیست کارگری بر آن تاکید میگذاشت.

واقعیت مسلم این است که حزب اتحاد کمونیسم کارگری بنا به اذعان خود اداره حراست اطلاعات رژیم با یک اعتراض مهم کارگری در یک مرکز مهم کارگری هم اکنون گره خورده است. این اعتراض در تاریخ حزب اتحاد کمونیسم کارگری ثبت شده است. این تحول گوشه ای از نقشه عمل و استراتژی عمومی حزب اتحاد کمونیسم کارگری برای قدرت گیری و تصرف قدرت سیاسی است. حزب ما مراحل و دوره های معینی را برای رشد و گسترش سازمانی و حزبی در مقابل خود قرار داده است. شناساندن حزب اتحاد کمونیسم کارگری بمتابه حزب پرچمدار کمونیسم کارگری منصور حکمت به

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

### اعتصاب ایران خودرو و واکنش رژیم به حزب ...

و پراتیک حزب اتحاد کمونیسم کارگری بطور کلی است.

عکس العمل اداره حراست "گروه صنعتی ایران خودرو" به نقش و جایگاه "حزب اتحاد کمونیسم کارگری" در این اعتراضات کارگری و همچنین در اعتراضات "در سطح کشور" و "خصوصا در مجموعه های صنعتی موثر"، یک اقدام و واکنش بی دلیل و بدون زمینه و یا به قولی غرر رعد در آسمان بی ابر نیست. بعلاوه صرفا واکنشی به نقش و حضور حزب در اعتراضات کارگری در ایران خودرو نیست. هشدار به دستگاه سرکوب رژیم اسلامی مبنی بر نقش حزب اتحاد کمونیسم کارگری در اعتراضات در "سطح کشور" است. صدور چنین اطلاعیه ای و واکنش به تلاش و سیاست حزب در جنبش کارگری و خصوصا در مراکز مهم کارگری است. حاصل تاکیدات و همچنین تفاوتهای خط مشی ما با سایر گرایشات کارگری است. این واکنش درست مانند اذعان به نقش کمونیسم کارگری در "کنفرانس برلین" و همچنین برافراشتن پرچم "آزادیخواهی و برابری طلبی" در دانشگاهها، تاکید بر حقانیت خط مشی کمونیستی منصور حکمت است، که پراتیک شده است. در حقیقت در این اطلاعیه اداره حراست، ما شاهد اذعان دستگاه سرکوب روزمره کارگران به سیاست و پراتیک حزب اتحاد کمونیسم کارگری در "مجموعه های صنعتی موثر" و در "سطح کشور" هستیم. و این تازه آغاز کار ماست!

با هزار زبان و عمل اعتراضی این نوع کمونیسم را درک میکند و اساسا هویت اعتراضش است. بورژوازی هم برای نجات کیسه پول و قدرتش؛ مستقل از اینکه اسلامی است یا شاهی یا مصدقی و یا جمهوریخواه، اعتراض رادیکال کارگری را به زبان پدر جد طبقاتی اش "کمونیست" مینامد و با همین عنوان میخواید سرکوب کند. مسئله اینست که وقتی قدرت این جنبش وسیع باشد و منشا حرکت و اتحاد و پیشروی مادی و معنوی طبقه کارگر باشد، هیچ قوه قهریه ای جلودارش نیست. چند حرکت مهم کارگری پایه های قدرت اینها را شل میکند. ضرب شدن این اعتراضات در وضعیت سیاسی موجود آینده را بدرستی ترسیم میکند. ما هستیم و تلاش میکنیم که این آینده کارگری را شکل دهیم. بگذار اطلاعات و دولت اسلامی سرمایه داران هرچه دل تنگ شان میخواید بگویند. قدرت ما آنجاست که این حضرات سرمایه دار بر صندلی ریاست شان تکیه زدند. به این اعتبار ما همه جا هستیم و مثل سایه دنبال شان میکنیم. بگذار هر روز در مقابل اعتراض و اعتصاب کارگر بخود بلرزند و جیق های بنفش اطلاعاتی شان را بکشند.

**علی جوادی:** این شاید اولین بار باشد که بخشی از دستگاه سرکوب رژیم اسلامی بطور مشخص و با نام و نشان دقیق به حضور یک حزب سیاسی کمونیستی معین در اعتراضات مهم کارگری اذعان میکند. قبلا بعضا با ایماء و اشاره به حضور جریانات "ضد انقلاب" در برخی از اعتراضات اشاره کرده اند. اما این بار بطور مشخص از حزب اتحاد کمونیسم کارگری نام برده شده است. ویژگی معینی این عکس العمل را از عکس العمل های دیگر رژیم متمایز میکند. و آن نقش و جایگاه و تاثیر سیاست

## تلویزیون برای یک دنیای بهتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر بوقت تهران یکشنبه: ساعات

۱۲:۳۰ ظهر بوقت تهران در کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم. لطفا روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

همانطور که اشاره شد، چنین واکنشی در عین حال تاکید بر موثر بر صحت و حقانیت خط مشی کمونیسم "سازمانده و رهبر" منصور حکمت است. در حقیقت اداره حراست ایران خودرو از



آذر ماجدی

## اساس سوسیالیسم انسان است انسان گرایی مارکسیستی منصور حکمت قطب نمای ما

انسان، رهایی انسان، حرمت انسان، اصالت انسان و تعالی جامعه بشری. این کلمات کلیدی است. برنامه ی یک دنیای بهتر که حکم مانیفست کمونیسم کارگری را دارد از اینجا شروع میکند. از سرمایه داری شروع نمی کند، از امپریالیسم آغاز نمیکند، حتی بلافاصله سراغ مبارزه طبقاتی نمی رود. نقطه عزیمت یک دنیای بهتر سعادت بشر و امید تاریخی بشر برای دستیابی به سعادت است. به این امید و آرمان تاریخی بشر اشاره میکند و بلافاصله به نقش بشر در تغییر دنیا می رسد. این جوهر مارکسیسم منصور حکمت است. "کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان ها ی بیشمار و نسل های پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان ضروری و میسر است."

بنظر من نه فقط محتوای برنامه یک دنیای بهتر، بلکه فرمت آن نیز تمایز مارکسیسم و بینش منصور حکمت را از پیشینیان نشان میدهد. برنامه یک دنیای بهتر یک شاهکار نظری و سیاسی است. چکیده آرمان کمونیسم و جوهر مارکسیسم را بیان میکند. یک دنیای بهتر از انسان و تلاش اش برای دستیابی به سعادت آغاز میکند، به نقش تلاش بشر در تغییر جهان اشاره میکند و آنگاه به مسائل تئوریک پایه ای مارکسیستی می رسد، به مبارزه طبقاتی، کارکرد سرمایه و نظام سرمایه داری، نقش دولت، رابطه انقلاب و اصلاحات و غیره می رسد. تئوری و اهمیت آن در این صفحه 11

است، هیچگاه موضوعیت پیدا نمی کرد.

عده ای بر این عقیده اند که منصور حکمت از آن رو که یک مارکسیست بود و به خود مارکس رجوع کرده بود به چنین انسان دوستی بالایی دست یافته بود. بنظر من برعکس است. دقیقا از این رو که انسان، حرمت، رهایی و رفاه انسان برایش جایگاه بسیار رفیعی داشت، او توانست در جستجو برای یافتن پاسخ به مساله رهایی بشریت، به سعادت بشر و به یک جامعه ی عالی تر انسانی به مارکس برسد. و نه تنها مارکس را درک کند، بلکه جوهر انسان گرایی مارکسیسم را از زیر آوار تحریفات طبقات دیگر بیرون کشد و بر آن تاکید کند. آزادی، برابری، رفاه و سعادت بشر کلماتی است که مکررا در آثار او دیده میشود و در سخنرانی هایش شنیده میشود. این قطب نمای او است.

### یک دنیای بهتر

مارکسیسم منصور حکمت از مارکسیسم پیش از او متمایز است. نه صرفا در تئوری بمعنای اخص کلمه، بلکه در نگرش عمومی و در تاکیدات. یک دستاورد مهم منصور حکمت زدودن تحریفات بورژوایی و خرده بورژوایی از مارکسیسم است، تحریفاتی که ده ها سال بر پیکر آن نشسته و رسوب کرده بود. منصور حکمت بر جوهر اصلی مارکسیسم انگشت گذاشت:

انسان دوستی و عنصر آگاهی و اختیاری که در کمونیسم کارگری منصور حکمت هست را برجسته میکند. اما در عین حال این خطر هم هست که وقتی یک گفته ای مدام در مقابل چشمان مان باشد و مدام شنیده شود و تکرار شود کلیشه شود و از محتوا خالی شود.

انسان دوستی یک خصلت برجسته منصور حکمت است. در این مورد بارها و بارها صحبت شده، چه رفقای نزدیک حزبی و چه کسانی که او را در ظرفیت شخصی میشناختند، حتی کسانی که او را دورادور میشناختند و یا با آثارش آشنا بودند، همگی بر این مساله تاکید دارند. اما باید توجه داشته باشیم که انسان دوستی او از نوع خیر خواهانه وانجمن خیریه ای نیست. سانتیمانال هم نیست. خود او در برنامه "یک دنیای بهتر" اشاره می کند به این مساله که "کمونیسم کارگری فرقه مصلحین خیال پرداز و قهرمانان مشتاق نجات بشریت نیست." این یک نوع جنبش دیگر انسان دوستانه است. و این را ما نه فقط در تئوری و نظراتش بلکه در سبک کار و در شخصیتش می بینیم. در تمام سیاستهایی که مطرح می کند و به پیش می برد، در تاکتیک ها و در استراتژی این جوهر مثل یک رنگه مثل یک نخ مثل یک قطب نما وجود دارد. آن چیزی که با انسانیت، با آزادی، با رهایی و با حرمت انسان در تناقض باشد، برای منصور حکمت جایی ندارد. از نظر او آن تاکتیکی که با این بینش در تناقض قرار می گرفت و با آن سنخیت نداشت، حتی اگر بنظر می رسید ه از نظر سیاسی نافع

رفقا، بحث امروز من درباره این جمله معروف منصور حکمت است: "اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است." این جمله الان دیگر به شکل لوگوی کمونیسم کارگری درآمده است. بر بالای نشریات ما نوشته میشود. فکر می کنم برای همه این یک گفته بسیار آشنا است. هر کس حتما تعبیر خود را از این جمله دارد و یا جایگاه این جمله برای هر کس متفاوت است. برای خود من این جمله جوهر بینش منصور حکمت است. جوهر شخصیت منصور حکمت است.

وقتی که دو سال پیش، درست بعد از مرگ منصور حکمت، دنبال جمله ای می گشتم که در پوسترها بنویسیم، یک جمله ای که بتواند تا حدودی منصور حکمت را بیان کند، جمله ای که بتواند جوهر تئوری، نظرات و تلاش منصور حکمت را بیان کند، جمله ای که بتواند تمایز کمونیسم کارگری را بیان کند، این جمله را انتخاب کردیم. با باز خواندن آن احساس کردم که تا چه حد به شناخت من از منصور حکمت چه در ظرفیت تئوریک، چه در ظرفیت سیاسی، چه بعنوان یک لیبر سیاسی و چه در ظرفیت شخصی نزدیک است. این جمله اکنون به لوگوی حزب و جنبش ما بدل شده و میتواند بعنوان یک قطب نما برای ما عمل کند. میتواند جوهر کمونیسم کارگری، آن عنصری که ما را جلو میبرد و فعالیت ما را رقم میزند را به ما نشان دهد. جوهر

## انسان گرایی مارکسیستی منصور حکمت قطب نمای ما...

چهارچوب معنا پیدا میکند. تئوری اهمیت دارد به این خاطر که راه دستیابی به سعادت و رهایی انسان را تسهیل میکند، راه رسیدن به یک جامعه انسانی، به آزادی و برابری را نشان میدهد.

این تز خصلت نمای کمونیستی "از هر کس به اندازه ی قابلیتش و به هر کس به اندازه نیازش." بعنوان یک اصل جامعه کمونیستی در برنامه مطرح میشود. این تز پایه ای مارکسیسم است که منصور حکمت در برنامه بر آن تاکید میکند. انسان به صرف "چشم گشودن به جامعه بشری باید به یکسان از کلیه مواهب زندگی و محصولات تلاش جمعی برخوردار باشد." کار که در جامعه سرمایه داری "یک اجبار" فرسوده کننده برای امرار معاش است، "به یک فعالیت خلاق و داوطلبانه و آگاهانه" تبدیل میشود. اینها همه تزه های پایه ای مارکسیستی و جامعه کمونیستی است. مساله اینجاست که این تزه های تاریخ در میان چپ سنتی به حاشیه رانده شده است. منصور حکمت دگربار این تزه را در محور و مرکز برنامه کمونیستی قرار میدهد.

### اصلاحات و انقلاب

جایگاه مبارزه برای اصلاحات یک وجه مهم دیگر کمونیسم کارگری است. چپ سنتی، چپی که از چندین دهه پیش بعنوان کمونیسم شناخته شده است، یا نسبت به رفرم کاملا بی اعتناء بوده و مبارزه برای اصلاحات را با مبارزه برای انقلاب ناخوانا میدیده، یا در مبارزه برای

مبارزه برای بهبود های کوچک در زندگی مردم در تناقض نمی بیند، بلکه مبارزه برای اولی را کاملا در رابطه تنگاتنگ با تلاش برای دومی میداند. کمونیست ها قرار نیست برای یک آینده دور و بشریت بطور آستره مبارزه کنند. تغییر شرایط انسان کنکرت امروز برای آنها مهم است و جایگاه مهمی در تلاش های روزمره شان دارا است.

### کمونیسم کارگری و انسان گرایی

رگه انسان دوستی را از همان ابتدا در کمونیسم منصور حکمت میتوان تشخیص داد. از همان ابتدایی که منصور حکمت میکوشد پاسخ مارکسیستی به مبارزه طبقاتی در ایران 1357 بدهد. از همان زمانی که پرچم مارکسیسم انقلابی را بلند می کند؛ از همان زمانی که پوپولیسم را نقد و حاشیه ای میکند و بر استقلال طبقه کارگر تاکید میگذارد. واضح است که هر چه جلوتر میروند، هر چه مجرب تر و پخته تر میشود این تمایز روشن تر و برجسته تر میشود. بلند کردن پرچم کمونیسم کارگری نه فقط در سطح نظری، بلکه در عرصه طبقاتی - اجتماعی نقطه عطف تعیین کننده ای است. از این مقطع انسان گرایی منصور حکمت بشکلی کاملا برجسته در کلیه آثار و سخنرانی هایش عیان است. همین جمله مورد بحث ما را در مصاحبه "مارکسیسم و جهان امروز" مطرح میکند. در ابتدای طرح مباحث کمونیسم کارگری، در تمایز با روایات دیگر از مارکسیسم و کمونیسم، در بیان تمایز کمونیسم کارگری مارکسی از این روایات. منصور حکمت در پاسخ به سوالی درباره اصلت فرد پس از یک بحث فصیح در مورد

اصلاحات به افق رفرمیستی تسلیم شده است. منصور حکمت جایگاه مهمی برای مبارزه برای اصلاحات در زندگی کارگران و مردم علی العموم قائل است. یکی از میانی اصلی کمونیسم کارگری از نظر او رابطه اصلاحات و انقلاب است که در برنامه یک دنیای بهتر نیز بعنوان یکی از ارکان اساسی کمونیسم کارگری به آن می پردازد. به نظر من قائل بودن این نقش مهم برای این مقوله از همان تلاش برای دستیابی به رفاه و سعادت انسان ها ناشی میشود. تشخیص این واقعیت مهم که تاریخ گویای تلاش دائمی بشریت برای دستیابی به یک دنیای بهتر، به رفاه و سعادت بیشتر است به او امکان میدهد که مبارزه برای اصلاحات و تشخیص نقش جنبش های اجتماعی را بعنوان یک استراتژی مهم در مبارزه کمونیستی تعیین کند. تشخیص و درک رابطه اصلاحات و انقلاب یک وجه مهم استراتژی کمونیسم کارگری است.

"مبارزه انقلابی برای برپایی یک دنیای نو، از تلاش هر روزه برای بهبود وضعیت زندگی مادی و معنوی بشریت کارگر در همین دنیای موجود جدایی پذیر نیست. ... جنبش کمونیسم کارگری در صف مقدم هر مبارزه برای اصلاح موازین جامعه موجود به نفع مردم قرار دارد." این اصل به کمونیسم کارگری وجه و جایگاهی میدهد که چپ سنتی و روایت های متعدد بورژوایی از مارکسیسم از این جنبش سلب کرده بود. کمونیسم انسان دوست، کمونیسمی که دغدغه هر روزه اش بهبود شرایط زیست و کار مردم زحمتکش است، کمونیسمی که نه تنها افق های بزرگ و انقلابی خود را با

اینکه چگونه سرمایه داری انسان را به فرد تنزل میدهد و مساله بر سر هویت انسانی و اصلت انسانی است این جمله را مینویسد. اصلت انسان را به عنوان جوهر سوسیالیسم مطرح می کند در تقابل با اصلت فرد از نقطه نظر سرمایه داری و بورژوازی.

این بینش را به نظر من به یک شکل خیلی زیبا و متفاوتی در بحث او پیرامون سقط جنین هم می بینیم. در بحث در مورد سقط جنین در عین حالی که موقعیت زن رادریک میکند، شرایط را تشخیص میدهد، و به همین دلیل از قانونی بودن سقط جنین دفاع میکند، نظر منفی اش در مورد سقط جنین را بیان میکند. او از حیات و اصلت انسان و حرمت انسان حرکت میکند. از این نقطه نظر سقط جنین یک مقوله ناپسند و غیرقابل قبول است. اما شرایط اجتماعی حاضر، نظام سرمایه داری که انسان ها را در کام خود گرفته و قوانین کور اقتصادی که بر زندگی اکثریت مردم حکم میراند، سقط جنین را بعنوان یک اجبار و نه یک انتخاب، بر انسان های این عصر تحمیل کرده است. منصور حکمت یک بحث فلسفی بسیار شیوا در این زمینه دارد که پیش از تشکیل حزب کمونیست کارگری در جلسه ای پیرامون بیانیه حقوق زن ارائه کرده است. در آن مقطع من در حال نگارش این بیانیه بودم و یکی از تند ترین و داغ ترین مباحث مان پیرامون سقط جنین بود. (شنیدن این نوار را به همه توصیه میکنم). مساله اینجاست که او صرفا از اصلت انسان در رابطه با جنین دفاع نمیکند، او میگوید که فمینیستی که حق سقط جنین را بعنوان یک امتیاز و حق انکار ناپذیر زن طرح میکند، زن را از هویت انسانی اش تهی میکند. زن را به یک صنف بدل میکند. بحث منصور حکمت در مورد غیرانسانی بودن سقط جنین، نقد دفاع فمینیستی

## انسان گرایی مارکسیستی منصور حکمت قطب نمای ما...

از سقط جنین و سپس دفاع از لزوم قانونی بودن آن در شرایط حاضر یک بینش منسجم و پیگیر در حرکت از انسان و اصالت انسان است. تمایز روشن مارکسیسم منصور حکمت، انسان گرایی کمونیسم کارگری از کلیه روایات مختلف دیگر از مارکسیسم است.

انسان گرایی و حرکت از اصالت انسان قطب نمای منصور حکمت اسن. این قطب نما به او امکان میدهند که منسجم و پیگیر در هر شرایطی سیاست های اصولی تعیین کند و موضع اصولی و انسانی اتخاذ نماید. به نظر من مباحث کنگره 3 یکی دیگر از نمونه های برجسته مارکسیسم حکمتی است. سخنرانی معروفش درباره اوضاع سیاسی و موقعیت ویژه ی حزب این وجه بینش و فلسفه حکمت را با زیبایی خاصی عیان میکند. زمانی که دارد در مورد استراتژی قدرت گیری و حفظ قدرت توسط کمونیسم کارگری صحبت میکند از همین زاویه حرکت می کند. تاکتیکی که برای حفظ قدرت مطرح میکند، تشکیل ارتش قوی، تولید سلاح های هسته ای و تبدیل شدن به یک قطب نظامی نیست. میگوید درها را باز میگذاریم و همه را دعوت میکنیم که به ایران بیایند و با چشم خود ببینند؛ مجازات اعدام را لغو می کنیم؛ هر کس که به ایران مهاجرت کند را بعنوان شهروند برسمیت میشناسیم؛ آزادی کامل در جامعه برقرار میکنیم.

وقاداری به اصل: "اساس سوسیالیسم چه در ظرفیت فردی و چه جمعی، انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است." به اتخاذ تاکتیک برای حفظ قدرت نیز پیگیرانه بسط داده میشود. تنها راه دفاع سوسیالیستی از سوسیالیسم، تکیه بر نقاط قوت سوسیالیسم است. قدرت ما نه در ساختن ارتش قوی و نیروی نظامی برتر، بلکه در گسترش آرمان سوسیالیستی و تحقق این آرمان است. منصور حکمت، در نتیجه، بر نقاط قوت سوسیالیسم تاکید میکند: یعنی آزادی خواهیش، برابری طلبیش، حرمت انسان و باز بودن و شفاف بودنش.

### لغو مجازات اعدام و حقوق متهمین

واضح است که منصور حکمت اولین کسی نیست که از لغو مجازات اعدام صحبت میکند. (البته در اپوزیسیون ایرانی او اولین نفر است.) مبارزه برای لغو مجازات اعدام تاریخ نسبتاً طولانی دارد. اما شیوه دفاع او از این مقوله، تمایز او را و انسان گرایی عمیق اش را بیان میکند. بعلاوه، منصور حکمت پیش از اینکه مطالبه لغو مجازات اعدام را تدوین و در برنامه حزب عنوان کند، در کردستان در ضدیت با اعدام اسرای جنگی توسط کومه له موضع میگیرد و موفق میشود که این عمل را ملغی کند.

حقوق متهمین در برنامه یک دنیای بهتر یک نمونه دیگر است. بسیاری از ما میپرسند که چرا این مکان را به حقوق متهمین در برنامه تان اختصاص داده اید؟ باین علت که انسان و حرمت او برای کمونیسم کارگری جایگاه بسیار بالایی دارد. به این خاطر که از نظر کمونیسم کارگری احترام به

حرمت انسان یک حق و اصل پایه ای است. ما مجاز نیستیم و نباید اجازه دهیم که حرمت انسان به هیچ دلیل و بهانه ای خدشه دار شود. به همین دلیل یک بخش مهم برنامه به حقوق متهمین اختصاص یافته است. این فقط برای مخالفین ما یا افراد خارج از حزب مساله ساز نبوده است، برخی از اعضاء و کادرهای حزب نیز برای درک این مساله با دشواری روبرو بوده اند. بحث بسیاری برای افتخار در میان صفوف خود ما انجام گرفته است. اصل مهم اصل بر برائت فرد است مگر آنکه عکس آن ثابت شود را متاسفانه برخی از کادرهای کمونیسم کارگری صرفاً طوطی واری تکرار میکنند و درک روشنی از آن ندارند. این یک اصل مارکسیستی نیست. بورژوازی نیز در سیستم قضایی اش به این اصل رسیده است. مساله اما اینجاست که این اصل را در میان جنبش چپ شرق زده پوپولیستی و عقب مانده بعنوان یک حق پایه ای انسان تثبیت کنیم.

من دارم به این مقولات بسیار گذرا اشاره میکنم. فرصت نیست که به تفصیل در مورد آنها بحث شود. به رفاقت توصیه میکنم که یک بار دیگر با دقت برنامه یک دنیای بهتر، مارکسیسم و جهان امروز و مباحث دیگر منصور حکمت را با دقت از این زاویه بخوانند تا عمق انسان گرایی و انسجام این ادبیات و بینش و مارکسیسم منصور حکمت را دریابند.

### انسان گرایی در اتخاذ سیاست

در اینجا میخواهم به چند موضع گیری سیاسی منصور حکمت از این زاویه اشاره کنم. مواضعی که در ستون اول انترناسیونال یا در اعلامیه های

حزبی اعلام شده است. یکی از جالب ترین اینها از نظر من موضوعی است که در مورد کوبا در یکی از ستون اول های انترناسیونال اعلام میکند. کوبا، انقلاب کوبا و کاسترویسیم موضوع مباحث بسیاری در جنبش چپ و مارکسیستی است. موضع کمونیسم کارگری در قبال کوبا و کاسترو روشن است. کوبا را بعنوان یک کشور سوسیالیستی نمی شناسد. اما ضمناً یک نکته نیز برای ما حائز اهمیت است. کوبا علیرغم تمام نقد هایی که به سیستم دولتی آن وارد است، علیرغم اینکه یک سرمایه داری دولتی است، توانسته است اصلاحاتی در زندگی مردم ایجاد کند که این کشور را نه تنها در میان کشورهای باصطلاح جهان سوم و سایر کشورهای آمریکای لاتین کاملاً متمایز کرده، بلکه از شرایط زندگی دوسوم مردم خود آمریکا بهتر است. اینجاست که با یک خلاقیت خاص و سنت شکنی خاص خود او با عبارتی چون "نسیمی از اندیشه سوسیالیستی" به کوبا اشاره میکند و از آن در مقابل آمریکا و تعرضات میلیتاریستی و قنذر مابانه آمریکا دفاع میکند. برای دفاع از کوبا خود را ملزم نمیداند که کاسترو را کمونیست انقلابی بنامد، کوبا را سوسیالیستی بخواند، بدام تراشیدن یک دو قطبی مبتذل امپریالیسم و ضد امپریالیست بیافند. اسیر تئوری های پوچ شود. قطب نمای انسان گرایانه، دفاع از رفاه و سعادت انسان و مارکسیسم زمینی و عمیق اش او را به این موضعگیری منحصر بفرد و قابل درک میرساند.

موضع او در رد قاطعانه تروریسم با هر دلیل، توجیه و آرمانی یکی دیگر از سنت شکنی های او در میان جنبش چپ است که با این بینش خوانایی کامل دارد. "زمانی بود که چپ سنتی و "ضدامپریالیست" خشونت های کور و

## انسان گرایی مارکسیستی منصور حکمت قطب نمای ما...

تروریسم عنان گسیخته جریانات جهان سومی و ضد غربی را اگر نه بديده تحسین، لااقل بديده اغماض مینگریست. ... تروریسم کوری که به استناد به آن در خاورمیانه، چه از طرف سازمان های عرب و فلسطینی و چه از طرف دولت اسرائیل، جریان یافته است، همواره از نظر کمونیسم و طبقه کارگر ورشکسته و محکوم بوده و هست." (جلد 8 مجموعه آثار، صص 225-26)

سپس در تحلیل از شرایط دنیا پس از واقعه شوم 11 سپتامبر این روش و شیوه برخورد را بشکلی منسجم بکار می بندد. در برخورد به 11 سپتامبر جریانات چپ به سمت یکی از دو قطب درگیر در این جنگ خونین و کور متمایل شدند. بخشی صریحا یا تلویحا اعلام کردند که انگیزه تروریست ها را درک میکنند. این پاسخی به حق به تجاوزات آمریکا است. بخشی دیگر در محکوم کردن تروریسم کور اسلامی به دفاع از آمریکا و سیاست های میلیتاریستی آن در غلطیدند. موضع کمونیسم کارگری منحصر بفرد بود. محکوم کردن هر دو قطب. تروریست خواندن هر دو قطب و تلاش برای یافتن نیرویی که بتواند در مقابل هر دو قطب قد علم کند: قطب سوم، بشریت متمدن و آزادیخواه. این تحلیل و موضع کاملا متمایز و خصلت نما است.

### نقد قهرمان گرایی خرده بورژوایی

نگاهی به انسان گرایی منصور حکمت در تاکتیک و سبک کار بیاندازیم. مثال بسیار است. به چند نمونه اشاره میکنم. در مقطع

این سیاست عبدالله مهندی را عمیقا نقد کرد. او گفت که این انسان ها تا زمانی که آزاد بودند برای آرمانشان مبارزه کردند و علیه رژیم اسلامی جنگیدند. تحت شکنجه مواضع و حرکات آنها بیانگر اراده آنها نیست. باید رژیم را محکوم کنیم نه قربانیان را. این حرکت یک سنت شکنی دیگر منصور حکمت بود. اتخاذ چنین موضعی در میان جنبش چپ آن مقطع و در یک سازمان نظامی شجاعت بسیاری را طلب میکرد. این یکی از فراموش نشدنی ترین سیاست ها و عملکرد های منصور حکمت در دفاع از حرمت انسان است.

نقد قهرمان گرایی خرده بورژوایی را در برخورد به زندان و شکنجه، در عقب نشستن از مقابل یورش خونین رژیم اسلامی، در نقد مبارزه مسلحانه در کردستان و همچنین در بحث عضویت کارگری مشاهده میکنیم. در عضویت کارگری درباره جنبش های مختلف صحبت می کند. تمایز جنبش طبقه کارگر، سبک مبارزه ی طبقه ی کارگر را در مقابل سبک مبارزه خرده بورژوایی و باصطلاح جنبش دانشجویی مورد بحث قرار میدهد. بحث او بر این مبنا استوار است که مبارزه نباید با زندگی انسان عادی در تناقض قرار گیرد. قهرمان بازی های خرده بورژوایی را نقد میکند.

شیوه جدایی از حزب کمونیست ایران و سیاست ها و عملکردهای منصور حکمت چه قبل و چه بعد از جدایی یکی از مقاطع مهم تاریخ کمونیسم ایران است. اسناد این جدایی موجود است و بخش اعظم آن در جلد هفت مجموعه آثار به چاپ رسیده است. فرهنگ و تمدن بالایی که بر این جدایی حاکم بود تماما مدیون بینش منصور

حکمت است. وقتی در نظر بگیریم که این جدایی در یک سازمان نظامی انجام میگرفت، زمانی که شرایط جنبش چپ ایران را در نظر بگیریم، این نکته را بهتر درک میکنید. در آن مقطع جدایی در سازمان یکی از رشته های فدائیان به تیراندازی و کشتن رفقای سابق انجامید. جدایی های دیگر را هم که غیر نظامی بوده است دیده ایم. لحن و روشی که در برخورد با رفقای سابق اتخاذ میشود، بی حرمتی و توهین و ترور شخصیتی که جریان می یابد را دیده ایم. اما جدایی از حزب کمونیست ایران در تمام شرایط محترمانه و با یک فرهنگ بالا انجام گرفت. (تا بعد از جدایی که عبدالله مهندی به سبک چپ سنتی تحریف و دروغ را آغاز کرد.) نگرانی منصور حکمت از آسیب دیدن انسان ها بود. میگفت نباید خون از دماغ کسی بریزد. خود بر پروسه جدایی و انتقال صد ها نفر انسانی که در اردوگاه های کومه له گیر افتاده بودند، نظارت کرد. زمانی که همه چیز امن و امان شد، استعفانامه خود را در پلنوم به کمیته مرکزی حزب داد. گفت فقط قلم ام را با خود خواهم برد، همین کار را نیز کرد. این بخش از تاریخ مبارزه سیاسی منصور حکمت و تاریخ کمونیسم باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. این روش کاملا متمایز است و باید بعنوان یک الگوی اصولی و مارکسیستی و کمونیستی ثبت شود. منصور حکمت دارای قطب نمایی بود که به او امکان میداد همواره سیاست های اصولی و از نقطه نظر انسانی قابل دفاع اتخاذ کند.

منصور حکمت کاملا مخالف تر هدف وسیله را توجیه میکند، بود. از نظر او وسیله ای که انسانی و اصولی نبود، نمیتوانست به یک هدف انسانی دست یابد. در یکی از سمینارهای کمونیسم کارگری در انجمن

## انسان گرایی مارکسیستی منصور حکمت قطب نمای ما...

مارکس خیلی روشن این مساله را باز میکند. میگوید اگر در یک جنگ حتی اگر برای ما مسجل باشد که با توپ باران یک دهکده میتوانیم پیروز شویم، ما اینکار را نخواهیم کرد. ما مردم بیگانه را به توپ نخواهیم بست. باید این برای همه حتی سازمان صلیب سرخ نیز روشن باشد که اگر میخواهند به مردم کمک کنند، باید به سراغ ما بیایند.

### اختیار و اراده داوطلبانه

مثال ها بسیار است اما فرصت کم است. میخواهم مختصرا به بخش دوم این گفته، یعنی سوسیالیزم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است و به مساله اختیار بپردازم. از نظر منصور حکمت اراده آگاهانه و داوطلبانه انسان نقش مهمی دارا است. انسان باید قادر باشد آگاهانه و داوطلبانه تصمیم بگیرد و عمل کند. منصور حکمت برای مقوله اختیار فقط در سوسیالیسم این جایگاه را قائل نیست. شرکت در مبارزه انقلابی و کمونیستی نیز برای او یک امر کاملا آگاهانه و داوطلبانه است. بهمان ترتیب، ترک این مبارزه نیز امری کاملا داوطلبانه است. یک امر و تصمیم کورکورانه و اجباری نیست.

اراده آگاهانه و داوطلبانه جمعی، عنصر فعاله مبارزه انقلابی برای تغییر است. برای منصور حکمت تز مارکس در نقد فونریباخ: فلاسفه جهان را تعبیر کرده اند حال مساله بر سر تغییر آن است، جایگاه بسیار برجسته ای دارد. پرسوناژ اصلی تغییر انقلابی، انسان آگاه و متشکل است. بدون انسان انقلابی آگاه و متشکل، نه انقلاب، نه سوسیالیسم، نه یک

است.

برای پایان دادن به مشقات انسان چه در مورد یک انسان کنکرت، چه برای بشریت، چه اکنون و بشکل میکرو و چه در آینده و بشکل ماکرو از دغدغه های دائم منصور حکمت بود.

میخواهم صحبتیم را با ذکر یک نکته تمام کنم. به نظرم بسیار مهم است که نگذاریم این جمله کلیشه شود و نگذاریم این جمله محتوای واقعی اش، محتوای فلسفی و سیاسی را از دست بدهد. ما باید بکوشیم که این بینش و منش را مثل قطب نمای حزب و جنبش مان حفظ کنیم. به همان شکل که این قطب نمای منصور حکمت بود. آن سیاستی که با انسانیت، انسان دوستی و انسان گرایی مارکسیستی در تناقض باشد، نباید توسط ما اتخاذ شود. این به معنای دوری از کمونیسم کارگری و منصور حکمت است. نباید این جمله فقط به لوگوی خشک و خالی بالای نشریاتمان بدل شود. باید با تمام روح و جانش به قطب نمای حزب و جنبش ما بدل شود.

خیلی متشکرم.

(این متن بر مبنای سخنرانی آذر ماجدی در هفته منصور حکمت، در انجمن مارکس - حکمت لندن در ژوئن 2004 تنظیم شده است. نوار سخنرانی توسط سیما روشن پیاده شده است.)

این بحث را میخواهم با یک ارجاع شخصی به پایان ببرم. نادر یا منصور حکمت یا ژوبین فقط در تئوری و در سطح نظری، در سبک کار و در لیدرشیپ حزبی این انسانیت را بروز نمی داد، در شخصیت روزمره، و در زندگیش هم یک انسان کامل بود. کسانی که از نزدیک او را می شناختن یا تا حدودی با او آشنا بودند به این وجه شخصیت اش آگاهند. من دو نمونه را در اینجا ذکر میکنم. این وقایع برای خود من هم غیر قابل انتظار بود، به همین خاطر در ذهنم نقش بسته است.

وقتی خبر ترور فجیع بختیار آمد، نادر گریه کرد. برای من عجیب بود. از اینکه در قتل رهبر اپوزیسیون دست راستی اشک میریخت، متعجب شدم. درست است قتل بسیار فجیعی بود و آدم را بشدت متأثر میکرد. نکته ای که میخواهم بگویم اینست که او از قتل فجیع یک مرد سالمند بشدت متأثر شد و به گریه افتاد. در آن لحظه این مساله که بختیار که بود و چه سیاستی را دنبال میکرد کاملا موضوعیت خود را از دست داده بود.

یک مورد دیگر. یکی از چهره های اپوزیسیون که باز در جبهه ناسیونالیسم است، زنگ زده بود که نادر را برای یک سخنرانی دعوت کند، ضمن صحبت تلفنی گفت که پسرش مرده است. ادامه داد که می گویند خودکشی کرده ولی به نظر او کار جمهوری اسلامی است. در همین حین من وارد اتاق شدم و دیدم نادر پای تلفن دارد گریه می کند. همدردی عمیق با درد و مشقات انسان ها و تلاش

در مورد بینش منصور حکمت میتوان صدها صفحه نوشت. تئوری های منصور حکمت همگی مدون است و میتوان به آن رجوع کرد. اما سبک کار و روش های فعالیت روزمره او ثبت نشده است. ما کسانی که شانس زندگی و فعالیت در کنار او را داشتیم میتوانیم به سیاق تاریخ شفاهی این وجوه را مطرح کنیم و باید چنین کنیم. از سبک کار او و شیوه لیدرشیپ او بسیار میتوان آموخت. از شیوه برخوردش به مسائل روزمره زندگی سیاسی و حزبی، از برخوردش به رفقای حزبی، از درک عمیقش از انسانیت و پیچیدگی های شخصیتی - روانی انسان. مثال ها و موارد بسیار

## از سایت حزب دیدن کنید؛

[www.wupiran.com](http://www.wupiran.com)

or

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

## نامه یک کارگر ایران خودرو

**هفته پیش بعد از انتشار اطلاعیه حراست ایران خودرو در رابطه با تعقیب فعالین حزب اتحاد کمونیسم کارگری و متعاقب آن بالا گرفتن نبرد طبقاتی در کارخانه ایران خودرو، نامه ای به یکی از رفقایم نوشتم و از او خواستم ما را بیشتر در جریان امور بگذارد. این نامه ایست که رفیقم ارسال کرده است. این نامه را ترجیحا برای نشریه یک دنیای بهتر می فرستم تا مابقی خوانندگان و رفقا هم در بطن قضایا قرار بگیرند.**

علی طاهری

....

آری رفیق، این چنین بود که ما برده ایم و آنها هنوز صاحب کاخ ها... نبودن بیینی به پاس عشق چه جان ها و چه خون ها دادیم ما در راه آزادی! گفتیم ما خون می دهیم و جان نا آزادی بماند و شرافت انسانی مان! جنگ که تمام شد کارخانه ها رونق گرفت. تولید با کیفیت، تولید بی کیفیت. تولید ناب. رشد کمی تولید. تلنبار پول بود و سرمایه. می دانی که پول هم پول می آورد. جان رفیق! گفتیم: "پس چه شد حقوق مادی کارگر؟" گفتند: "شرکت 17 درب دارد. همین است که هست. نمی خواهی، از هر در که می خواهید بروید بیرون. به جای تان افغانی می آوریم. هم بهتر کار می کنند، هم کمتر زر می زنند." گفتیم: "مگر کارگر پیمانکار و قراردادی حق و حقوق ندارد؟" گفتند: "کارگر پیمانکار و قراردادی برای ما مثل لیوان یک بار مصرف است. هر وقت کارمان تمام شد، می اندازیمش تو سطل آشغال. اما عروسی مان زمان انتخابات است. آن موقع توجه به منابع انسانی و کارگر در راس امور کاندیداهاست. یک رای بده، 60 گونی وعده و وعید بگیر. اما انتخابات که تمام می شود دوباره روز از نو روزی از نو. جرات داری بگو: "نان" می

گویند: به رژیم فحش می دهی. "روز کارگر تظاهرات می کنی برای شکوه از جیب خالی ات. تا غافل شوی سر از بند سیاسیون زندان در می آوری.

بگذار برایت بگویم از خطوط تولید ناب. آن هم از نوع شبانه روزی و سه شیفتش. نمی دانم کدام ناکسی بود که می گفت عصر فراغه تمام شده؟ اما ما بردگان امروزی اسیر دست برده داری نوین به جای فراغه از دست مهندس فلان و حراست شلاق می خوریم. با وجود شلاق، کسر حقوق و آکورد و عدم تمدید قرارداد و... دیگر از اربابان مدرن زمان، ما نیازی به بند و تازیانه و شلاق نداریم. غل و زنجیرمان شده خط تولید، بدون این که کسی بالای سرت ایستاده باشد. 10 الی 12 ساعت آنجا بسته شده ای. نخندی، اگر بگویم خیلی وقت ها برای وصال توالث ثانیه شماری می کنی! آری رفیق شانه های ما نیز شکسته از جور کسانی است که عمارت خود را بر روح و جان ما بنا می کنند. دلم برای فرزندم، همسرم می سوزد. تمام تلاشم برای فراهم کردن رفاه حال آنهاست. غافل از اینکه غرور آنها هم زیر بار این همه تحقیر و فشار و استرس شکسته شده است.

همسرم می گوید هیچ می دانی دیگر مثل گذشته نمی خندی. خیلی وقته که با هم بیرون نرفتیم. چرا با ما حرف نمی زنی. پسرم می گوید: "بابا کاش این جمعه کار نباشد. با هم بریم پارک." اما او خبر ندارد که از اول هفته اطلاعیه کار روز جمعه را همه جا چسبانده اند.

حالا دیگر تیغشان نبرد متوسل به مذهب می شوند. گویی کسی تره این برای این خزعبلات خرد می کند. اخبار از دهان یکی از مسئولین رژیم رو به نماینده کارگران که از بی حقوقی کارگران شاکی بود اعلام کرد: ما که دل خوشیم به "مراره الدنيا جلوه اخره" که (سختی در دنیا شیرینی

در آخرت به دنبال دارد.) اما پس تکلیف قانون کار چه می شود؟ روزگاری می شنیدیم: اسلام ابزاری!! "شاید این قانون کار هم ابزاریست. شاید هر دو به هم مربوط باشند. آخر قانون کارشان هم اسلامی است. هر وقت بخواهی از حقوق خودت دفاع کنی با همین قانون کار چنان دهانت را می بندند که صدايت در نیاید و چنان با قانون بر سرت می کوبند که سرت مثل "ق" قانون شود. شاید به قول آنها تفسیر درستی از قانون کار آنها به خاطر سواد کم مان نداریم. خوب چه کار کنیم. کارگریم دیگه. کارگر اگر دکترا هم بگیره باز هم کارگره و فقط با تو سری میشه رامش کرد. شاید هم ما درست نخوانده ایم. حتما جایی لابلای بندها و متمم قانون نوشته که سه شیفت کار کنی و به خاطر 5 دقیقه دست کاری ساعت کار، مزایای دو شیفت بهت می دهند.

حتما نوشته که جمعه ها آن هم فقط بنا بر میل کارفرما، کار است. کارگر می خواهد راضی باشد می خواهد راضی نباشد. حتما نوشته که از وفات و تولد تا هر روز تعطیل عمومی دیگر همگی کار است. حتما نوشته سیگار کشیدن اخراج، با موبایل صحبت کنی چه با هندفری یا بدون آن اخراج. جمعه و تعطیلات سر کار نیایی اخراج. از مدیر انتقاد کنی اخراج. طی 8 ساعت شبکاری طاقت فرسا یک ثانیه پلکت سنگین شود اخراج. فقط باید کار کنی. خسته شدی بنشین، اخراج. حرف زدن اخراج. خندیدن اخراج. اگر بگویند ماست سیاه است و تو بگویی سفید، اخراج. فقط چون اخراج می شویم نتوانستیم بپریم پس این همه مبل های راحتی گران قیمت خارجی، صندلی های گردان، کولرهای سرد و گرم خارجی اتوماتیک داخل دفتر آقایان برای چیست؟ در حالی که کارگر خط تولید خسته از گرما و سرمای نامتعارف داخل سالن حتی برای لحظه ای حق ندارد. برای لحظه ای روی مقوایی بنشیند. چرا که هر مهندس مدرک

گرفته از دانشگاه با کینه و بغض و عقده های روانی، ممکن است سر برسد و هم چون قاضی سیار حکم اخراجت را با تحقیر جانبی بدهد دستت.

رفیقم تحقیرها را می بینی. می شنوی و با پوست و روح و جان و حسش می کنی و به خاطر لقمه ای نان همه اش را تحمل می کنی و بغضت را به زور فرو می خوری. این جا برای حرمت انسانی ما جایی نیست. چون همه ما آن را قبل از ورود به شرکت پشت در کارگری جا گذاشته ایم.

اما آن چه این روزها به من امید می دهد روح اعتراضی است که در کارگران زبانه می کشد. راستش از اینکه حراست ایران خودرو را به لرزه انداخته اید این احساس غرور به من دست می دهد. سلام من را به سیاوش دانشور برسان. این روزها سیاوش به قهرمان ما کارگران ایران خودرو بدل شده. ما همگی دوستش داریم. حتی کارگر مذهبی بود که می گفت سیاوش را خدا فرستاده! از کنار خط تولید روی ماه تک تکتان را می بوسم!

### رفیق عزیز و نادیده،

ضمن تشکر از شما و رفیق علی طاهری، آنچه که در مورد شرایط حکم بر کار در ایران خودرو میگوئی مو بر تن هر آدمی که تنها یک جو شرف دارد راست میکند. اما امان از آن روز که این تن های خسته، این قلبهای شکسته، این بردگان مزدی برخیزند. هر جلوه حرکت متحد کارگر همه چیز را زیر و رو میکند. انسان منکوب شده و تحقیر شده و ناامید همواره فکر میکند کاری از دستش بر نمی آید و باید بسازد و بسوزد. اما کمونیسم کارگری جنبش همین انسانهای شریف برای اعاده حرمت و انسانیت و برچیدن منشا همه این کثافات سرمایه داری است. کمونیسم بدون وجود این نیرو و جدا از این نیروی اجتماعی و طبقاتی نه اهمیت دارد و نه به جایی میرسد. هر جا تاریخا کمونیسم از این ریل خارج شده و به طرف

## نامه یک کارگر ایران خودرو...

لیلا احمدی

اعتراض طبقات میانی و اقشار روشنفکر و ناراضی و بورژواهای اصلاح طلب صورتی تبدیل شده است، فقط و فقط نتیجه اش شکست بوده و آوارش روی سر کارگر و خانواده کارگری و مبارزه اش ریخته است. کمونیسم ما همان دندان قروچه شماس، همان آه و ناله شماس، همان اعتراض شما و خانواده شماس، همان اعتصاب شماس، همان نخواستن شماس، و همان منافع آشتی ناپذیر شما با خیل سرمایه داران و مدیران و نوکران رنگارنگ شان است. و حزب ما، حزب شماس. به حزب خودتان ببینید.

و بالاخره من هیچ وقت به قهرمان شدن فکر نکرده ام. میدانم تاریخ مبارزه طبقه ما مملو از قهرمانیها است. کارگران و رهبران کارگری که پای جوخه سرمایه تیرباران شدند، سران جنبش شوراهای کارگری، کمونیستهای خوشنامی که تنها به جرم برافراشتن پرچم کمونیستی کارگران جانشان را دادند، رهبرانی که در گلوی اختناق سیاه اسلامی از حقوق کارگر و انسانیت کارگر دفاع میکنند، اینها قهرمانان جنبش ما هستند. تاریخ جنبش ما تاریخ قهرمانان گم نام است. چون قهرمانی در جامعه بورژوائی مانند خود این نظام وارونه است و ربطی به تلاشهای انسان کارگر برای آزادی و رفاه ندارد. چه چیزی قهرمانانه تر و افتخار آمیزتر از این که اعتصاب برحق شما توسط سرمایه داران و اطلاعاتی ها "داغ لعنت" کمونیسم میخورد؟ شما ایران خودرویها فی الحال آبروی طبقه کارگر ایران اید. برای من و رفقای حزبی ام، بعنوان فعالین جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، جای بسی افتخار است که چنین نقشی ایفا کنیم و در کنار شما هم‌زمان سنگی روی سنگ بگذاریم. از جانب من به همه کارگرانی که امکان حرف زدن با آنها را داری صمیمانه سلام برسان. متقابلاً دست خسته تان را بگرمی میفشارم و روی ماه تک تک تان را میبوسم.

با احترام،  
سیاوش دانشور

## اینجا نوار غزه نیست، اینجا کنار مرز نیست!؟

لیلا احمدی

اینجا نوار غزه نیست، اینجا لب مرز هم نیست، اینجا زائر سرا هم نیست! این پلاکاردیست که مردم به روی زمینهایشان نصب کرده اند. اینجا قاسم آباد در جنب نمایشگاه بین المللی مشهد است. اینجا همان تل خاکی است که شش هزار خانوار مشهدی از سال 1372 تاکنون زندگی شان را روی آن باخته اند. از سال 1372 شهرداری مشهد بنا به قول و قراری که به این شش هزار خانوار مبنی بر واگذاری زمین در منطقه قاسم آباد داده و در طی چندین مرحله مبلغی بین 2 تا 4 میلیون تومان از هر خانواده دریافت نموده، و حتی با وجود اینکه اکثریت این خانواده ها سندهای زمین خود را نیز در دست دارند، شهرداری مشهد با گستاخی و وقاحتی که خاص حکومت اسلامی است، اکنون پس از 15 سال انتظار به مردم اعلام نموده است: نه زمینی در کار است و نه سندهای موجود در دست مردم اعتباری دارد و نه خبری از پولهای دریافتی از مردم است!



در برابر این کلاه برداری و دزدی آشکار باندهای حکومت اسلامی، خانواده های مال باخته بارهای بار در برابر مراجع حکومتی دست به تجمع و اعتراض زده اند و در اعتراض به وضعیت موجود هم اکنون بیش از 2700 خانواده از این مال باختگان از تاریخ 9/1/87 بر روی زمینهای متعلق به خود چادر زده اند و تحت بدترین شرایط زندگی، بدون حتی ابتدایی ترین امکانات زندگی در محرومیت کامل بدون برق و آب، دستشویی و سایر امکانات بهداشتی بر روی تلی از خاک با اضطراب و ابهام و رنج روزگار می گذرانند. یکی از این چادرنشینان مال باخته میگفت من کارگر بازنشسته هستم با بیش از 40 سال سابقه کار و زحمت. تنها اندوخته زندگی من و خانواده ام همین تکه زمینی است که حتی پول ساخت آن را ندارم. تکه زمینی که طی این 15 سال انتظار بخاطرش از شکم خودم و زن و بچه ام زده ام تا به جیب شهر داری بریزم و حالا می گویند شما هیچ حقی ندارید! ما را پا در هوا بین زمین و آسمان معلق کرده اند. تا حالا بارها عوامل لباس شخصی اطلاعاتی و نیروی انتظامی خواسته اند با فشار و تهدید ما را از اینجا بیرون کنند. میگویند "این کار ما شهر را بد نما کرده!" اما کور خوانده اند. ما زندگیمان همین جاست. ما دیگر چیزی هم برای از دست دادن نداریم. ما زندگی به غارت رفته مان را می خواهیم به هر قیمتی که باشد.\*

## عقب نشینی حکومت اسلامی در برابر پرستاران کرمانشاه!

لیلا احمدی

در روزهای اخیر سرانجام پرستاران زحمتکش بیمارستانهای کرمانشاه در سایه مبارزه و اتحاد و اعتراضات گسترده خود و پا فشاری بر خواسته هایشان، طعم شیرین پیروزی و عقب راندن حکومت اوباشان اسلامی را چشیدند.

در آغاز سال جدید و در راستای تحمیل هر چه بیشتر فقر و فشار و گرانی و تورم و... به زندگی کارگران و زحمتکشان، وزارت بهداشت حکومت اسلامی طرح تقلیل کار پرستاران را که از 9 سال پیش اجرا شده و بر این اساس پرستاران بالای 18 سال سابقه کار از یک روز تعطیلی و استراحت در هفته بر خوردار بودند را از اول خرداد لغو نموده و طی خرداد ماه گذشته فشار و افزایش ساعات طولانی تر کار را به پرستاران تحمیل نمودند. این گستاخی حکومت منجر به مبارزه و اتحاد و گسترش روز افزون اعتراض پرستاران شد.

عوامل حکومتی سرانجام پس از یک ماه مقاومت توأم با هراس و وحشت از مبارزه و اعتراض پرستاران با سرافکنندگی اعلام کرده اند که یک روز تعطیل هفته را مجدداً برای پرستاران بالای 18 سال سابقه را به رسمیت می شناسند و در چند روز اخیر به پرستارانی که در خرداد ماه گذشته با زور و تهدید در سر کار حاضر شده بودند مبلغی به عنوان اضافه کاری پرداخت شده است.

این پیروزی موجی از شادی و شغف در بین پرستاران بیمارستانهای امام رضا، خمینی، و طالقانی را در کرمانشاه فراهم آورده است.

زنده باد اتحاد پرستاران کرمانشاه

18/4/87



## در جاده چالوس

مهران میلادی

### زنان و کودکان کار



کثیف سرمایه داری تن به این گونه کارها می‌دهند. کار کودکان ممنوع! ستم بر زنان موقوف!

بعد از محله سیاه بیشه، اونا از طلوع آفتاب تا غروب اونجان، یعنی بغل جاده دارن چیزی می‌فروشند. اصلاً انگاری فقط برای همین کار ساخته شدند، فروختن گردوهایی که در داخل بطری پر از آب هست. با قیافه های سوخته، عبوس و ناامید زیر



### کارگران راهسازی جاده چالوس

این کارگران فصلی 6 ماه از سال رو در جاده چالوس مشغول بازسازی جاده هستند و بصورت کنتراتی و پیمان کاری کار میکنند. 6 ماه از سال رو بدور از خانواده، همسر و فرزندانشان سر میکنند تا بتونند از این راه لقمه نونی به خانواده برسانند. آنها اکثراً از شهرستانهای غربی برای کار به آنجا آمده اند و بقیه از نقاط دیگر ایران هستند. محیط کار اصلاً ایمنی ندارد و آنها حتی لباس کار هم ندارند و با لباسهای محلی مشغول بکار هستند. شبها در چادرهایی میخوابند که حتی حداقل ایمنی را هم ندارد. مرگ بر جمهوری اسلامی!

آفتاب نشستن. تعدادشون هم کم نیست. 50 متر به 50 متر کنار جاده نشستن که شاید یکی پیدا بشه تا ازشون گردوی آب زده بخره. اونا 4 ماه از سال رو به طور متوالی به این کار مشغولند، این جواب تنها سوالی بود که من تونستم از یکی از اونها بکنم. اونا اکثراً زنان و کودکان کشاورز هستند که به دلیل وضع بد اقتصادی و فقر ناشی از سیستم



مرکز مطالعات کمونیسم کارگری برگزار میکند:

ایران خودرو،

کمونیسم کارگری، حزب سازمانده - رهبر!

اعتراض کارگران ایران خودرو نقطه برجسته ای در جنبش کمونیسم کارگری است. در این سمینار به بررسی جایگاه اعتراض قدرتمند کارگران ایران - خودرو، نقش جنبش کمونیسم کارگری و خط مشی کمونیسم منصور حکمت در زمینه حزب سازمانده و رهبر پرداخته خواهد شد. مباحث مورد بحث عبارتند از: اعتراض ایران خود رو به کدام سنت سیاسی - اجتماعی تعلق دارد؟ اهمیت و ویژگی مطالبات کارگران در چیست؟ چه عواملی منجر به صدور اطلاعیه اداره حراست ایران خودرو در مقابله با "گروهک‌های ضد انقلاب از جمله «حزب اتحاد کمونیسم کارگری»" شد؟ هراس شان از چیست؟ ویژگی این رویداد و خط مشی کمونیستی منصور حکمت در زمینه "حزب سازمانده - رهبر" چیست؟ این اعتراضات در کجای استراتژی سیاسی کمونیسم کارگری در تصرف قدرت سیاسی قرار دارد؟

### سخنران: علی جوادی

مکان: شبکه پالتاک، گروه خاور میانه - ایران و یاهو مسنجر

زمان: یکشنبه ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۸

ساعت ۸ شب بوقت اروپای مرکزی و ۲ بعد از ظهر بوقت نیویورک و ۱۱ صبح بوقت لس آنجلس

Markazmkk@yahoo.com

worker.communism.studies@gmail.com

## تحریم اقتصادی بهانه جدید بیکارسازی اخباری از کارخانه های فرش نقشین و نساجی کردستان

دست رژیم از سر فعالین کارگری کوتاه!  
کارگر زندانی آزاد باید گردد!



منصور اسالو  
آزاد باید گردد!



منصور اسالو، غلامرضا غلام حسینی، محمد جراحی،  
و افشین شمس، از فعالین کارگری به جرائم پوچ و  
واهی دستگیر و زندانی شدند.

### کارگران!

برای آزادی فعالین کارگری متحدانه تلاش کنید.  
دستگیری هر فعال کارگری را به تعرضی وسیع علیه  
رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

زندانی کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

تمام فلاسفه جهان را تفسیر  
کرده اند، حال آنکه مسئله  
بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

بار بحران اقتصادی را روی دوش طبقه کارگر بگذارند. حتی وقتی که دوره رونق اقتصادی است کارگر سهم بیشتری عایدش نمیشود. بهانه جدید بورژواها در مورد تأثیرات تحریم اقتصادی بر سود و زیان سرمایه ها گوشه دیگری از ماهیت ضد کارگری سرمایه را برملا میکند. کارگران مسبب تحریم اقتصادی نیستند، کارگران اعلام کردند "انرژی هسته ای نمیخواهیم"، کارگران مخالف سیاست کشتار جمعی تحریم اقتصادی هستند، کارگران تنها تاوان جنگ بورژواها را با فقر بیشتر پرداختند، و امروز سرمایه داران اخراج و بیکاری و بازخرید را با این بهانه به کارگران تحمیل میکنند. کارگران باید در مقابل سیاستهای این مرتجعین بایستند و منفعت مستقیم و فوری شان را مطرح کنند. هیچ بهانه ای برای بیکارسازی قابل قبول نیست. اخراج باید ممنوع باشد. مسببین فقر و گرانی و تحریم اقتصادی باید راسا مسئولیت این اوضاع را بعهده بگیرند. همه افراد جامعه حق زندگی دارند و تامین معیشت هر فرد وظیفه جامعه است. اگر کار نیست بیمه بیکاری مکفی به هر فرد آماده به کار باید پرداخت شود. کارگران فرش نقشین و نساجی باید اهداف ضد کارگری سیاست بازخرید از جمله تسری کار قراردادی و موقت و تضعیف توان اعتراضی طبقه را بشناسند و آگاهانه با آن مقابله کنند.

بنا به خبر دریافتی، کارفرمای کارخانه فرش نقشین سندج به کارگران اعلام کرده است که روز چهارشنبه 12 تیر کارخانه تعطیل میشود. کارفرما به کارگران گفته روز 29 تیر ماه به کارخانه بیایند. قرار است در اینروز لیستی 30 نفره از کارگران اعلام شود که اخراج و به اداره بیمه معرفی شوند. کارفرما دلیل اخراج و بیکارسازی را تأثیرات تحریم اقتصادی بر بازار و عدم فروش کالاها ذکر کرده که همین وضعیت سیاست اخراج و بیکارسازی را الزامی کرده است!

این کارخانه 64 کارگر دارد که 20 نفر آنها دارای قرارداد یکساله و مابقی رسمی هستند. همزمان کارفرما به کارگران فشار آورده که خود را بازخرید کنند. کارگران که تجربیات مشابهی داشتند اعلام کردند که در صورت ایجاد شرایط بد کاری و تداوم سیاست فشار آوردن از طرف کارفرما، دست به تحصن خواهند زد. طی ماههای گذشته کارگران در مقابله با فشارهای کارفرما در مقابل استانداری تجمع کرده بودند که بخشا اعتراض شان با موفقیت خاتمه یافته بود.

بنا به خبر دیگری در ادامه فشار کارفرما و سیاست توطئه چینی توسط کمیته انضباطی، طی 3 روز گذشته 5 نفر دیگر از کارگران نساجی کردستان خود را بازخرید کردند. در دو هفته گذشته 8 نفر دیگر از کارگران این کارخانه خود را بازخرید کردند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

1 جولای 2008 - 11 تیر 1387

کارگران!

تاریخا سیاست سرمایه اینبوده که

## چند خبر و گزارش کارگری

### ادامه اعتراض کارگران اخراجی فرش غرب بافت

امروز سه شنبه از ساعت 10 صبح الی 1 بعدظهر، مجدداً 15 نفر از کارگران اخراجی این کارخانه مجدداً مقابل اداره کار تحصن کردند. بدنبال اعتراضات روزهای گذشته، کارفرما 5 نفر از کارگران را در دو روز گذشته به سر کار بازگرداند. این 5 نفر در قسمت نگهبانی کار میکردند. اما به نظر میرسد که 15 نفر کارگر اخراجی دیگر بطور قطع اخراج شدند. در میان کارگران شایع است که این 5 نفر تقریباً از آشنایان و اقوام خود کارفرما هستند. نکته جالب توجه از سیستم سرپایا دزدی حکومت اسلامی اینست که اداره کار به کارگران اخراجی گفته است که شما باید دو نفر نماینده از میان خود انتخاب کنید و با اداره ثبت بروید تا این اداره نام شما را بعنوان نماینده ثبت کند. وقتی کارگران نماینده به اداره ثبت مراجعه میکنند، اداره ثبت از هر کدام از کارگران مبلغ 75000 تومان هزینه طلب میکند! بدنبال این موضوع کارگران همراه نمایندگانشان به اداره کار برگشتند. مسئولین اداره کار به کارگران گفتند: خوب، دیگر شما به خانه هایتان برگردید. فقط نمایندگان بمانند!

کارگران مخالفت میکنند و در راهروهای اداره کار شروع به اعتراض میکنند. یکی از کارگران فریاد میزند اگر به کار ما رسیدگی نشود و به سر کارمان بازنگردیم، خودم را از این ساختمان به پائین پرت میکنم! بدنبال این ماجرا بالاخره اداره کار پرونده آنها را به هیئت تشخیص شماره 2 میدهد که در تاریخ 9 تیر ماه رسیدگی کند. کارگران اعلام کردند موقتاً تا این تاریخ اعتراض خود را خاتمه میدهند اما اگر به خواست آنها مبنی بر بازگشت به کار ترتیب اثر ندهند، به تحصن خود ادامه خواهند داد.

کارگران اخراجی شرکت فرش غرب بافت که تعدادشان ۲۰ نفر است روز یکشنبه دسته جمعی از کار اخراج شدند. این کارگران بلافاصله در مقابل اداره کار سندانج تجمع کردند. کارگران طوماری تهیه و امضا کرده بودند که توسط نمایندگان منتخب آنها به اداره کار داده شد. در این طومار اعلام شده بود که ما کارگران شرکت فرش بافت که سابقه کار ۱۲ الی ۱۹ ساله داریم و در شرایط سخت و زیان آور مشغول به کار بودیم، بطوری که اکثر ما از مشکلات دیسک کمر و شنوائی و بینائی رنج میبریم، در تاریخ ۱۶ تیرماه ۸۷ توسط ایوب فتحی کارفرمای کارخانه اخراج

شدیم. ما کارگران خواهان بازگشت به کار هستیم.

### نساجی کردستان تعطیل میشود

روز یکشنبه کارفرمای نساجی کردستان به داخل سالن کارخانه آمده و اعلام کرده که دیگر نمیتوانم مواد برای تولید بخرم و همینطور نمیتوانم به کسی حقوق بدهم! همان روز معاون استاندار با هیئتی به داخل کارخانه رفتند و به کارگران اعلام کردند که کارخانه تعطیل میشود. مواد اولیه کارخانه تا روز دوشنبه هفته آینده تمام میشود. مدیر کارخانه هم به کارگران گفته که دستگاهها را لخت کنند. یعنی دیگر موادی روی دستگاهها سوار نشود. به احتمال زیاد کارخانه نساجی کردستان دوشنبه هفته آتی تعطیل میشود. کارگران این کارخانه هنوز یکماه حقوق معوقه دارند. همچنین بن کارگری سال گذشته را هم هنوز دریافت نکردند. مضافاً اینکه کارفرما یکماه حقوق سال 84 را با تیبانی اداره کار بالا کشیده است. یعنی حقوق این ماه سال 84 را بنا به رای هیئت حل اختلاف اداره کار به بخشی از کارگران ندادند. طبق ماده 35 قانون کار چند نفر دیگر از کارگران تحت این شرایط مبادرت به بازخرید شدن کردند. اما هنوز وارد این پروسه نشدند.

خبری در مورد کلاهبرداری "خانه کارگر" از کارگران

خانه کارگر رژیم در دوره قبل به ریاست ایرج بهرام نژاد، از ۱۵۰ نفر از کارگران کارخانه جات و خبازیها و همینطور کارگران شرکتهای پیمانکاری پول دریافت کرده که به آنها زمین برای ساختن مسکن بدهد. اما خانه کارگر و این آقایان که در مصدر امور بودند، پول کارگران را روز روشن بالا کشیدند. کارگران به ارگانهای دولتی شکایت کردند. ارگانهای ضد عدالت رژیم نیز پرونده شکایات را به دو بخش تقسیم و برای بررسی به دو شعبه احاله کرده است. یک بخش به شعبه ۱۰۳ جزائی و یک بخش به شعبه ۲ بازپرسی سپرده شده اند. یکی از قاضی های این پرونده در شعبه ۲ بازپرسی، بطور عجیبی غیب شده است! تا امروز مدت شش ماه است که کارگران مرتباً مراجعه میکنند و تنها جوابی که گرفتند این است؛ قاضی نیست! عملاً پرونده را راکد گذاشتند. این دزدهای حرفه ای ارتش اسلام از هر کدام از کارگران مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تا دو میلیون و پانصد هزار تومان پول گرفتند. قرار بوده که در مناطق؛ فاز ۲ و ۲۹ بهاران، فاز ۲ میدان تره بار سندانج، و فاز ۳ و ۱۹ فیض آباد این زمینها به کارگران داده شود. جمعه گذشته کارگرانی که وسیله کلاهبرداری مزدوران خانه کارگری قرار گرفتند در خانه کارگر جمع شدند.\*



### اعتصاب غذای ده زن زندانی در زندان اوین

۲۳ روز پس از بازداشت بی دلیل تعدادی زن در مقابل پارک ملت تهران، محبوبه کرمی، یکی از فعالین جنبش حقوق زنان در ایران، و نه زن دیگر که در سلولی انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین بازداشت هستند، به دلیل "عدم رسیدگی مسئولان زندان، نداشتن حق هواخوری و نادیده گرفتن حقوق به اصطلاح قانونی" دست به اعتصاب غذا زده اند.

در بین این زندانیان زنی 70 ساله و دختری 17 ساله نیز وجود دارد.

سازمان آزادی زن ضمن محکوم کردن بازداشت و زندانی کردن این زنان، از آنها میخواهد که به اعتصاب غذای خود پایان دهند. مبارزه برای آزادی و برابری و رسیدن به حقوق انسانی نباید با روش های خود آزاری توأم شود. این روش نه تنها کار ساز نیست، بلکه تأثیری بجز وارد آوردن صدمات بیشتر بر جسم و جان آنها نخواهد داشت. سازمان آزادی زن به سهم خود قاطعانه برای آزادی این زندانیان خواهد کوشید.

ستم بر زن موقوف سرکوب زنان ممنوع زنده باد آزادی زن

سازمان آزادی زن [www.azadizan.net](http://www.azadizan.net) 7 ژوئیه 2008

# اعتصاب

سپهر

تجارب اعتصابات نشان میدهد که هیچگاه تدارک کار به اندازه کافی فراهم نشده است. اگر قرار باشد کارگران غافلگیر نشوند اپوزیسیون انقلابی درون تشکلهای موجود کارگری باید کار خود را به نحو زیرپیش ببرند.

1- تشکلهای انقلابی کارگری و اپوزیسیونهای انقلابی درون این تشکلهای باید در تمام رشته های صنعت با فعالیت روزمره خود کارگران را برای آغاز اعتراضات و اعتصابات قریب الوقوع میان کارگران و کارفرمایان آماده کنند.

2- با پدیدار شدن نخستین علائم نارضایتی در میان کارگران یا آشکار شدن مقاصد تجاوزکارانه کارفرمایان علیه کارگران باید بی درنگ به کارگران صنعت مربوطه هشدار داد که بر خوردی در پیش خواهد بود.

3- تدارک مقدماتی سازمانی و تبلیغاتی میباید تحت شعارهای زیر انجام شود: "از رهبران رفرمیست چیزی متوقع نباشید! آنان به شما خیانت خواهند کرد! سرنوشتتان را خود در دست بگیرید! خود را برای مبارزه آماده کنید! در غیر این صورت شکست حتمی خواهد بود." - در این تبلیغات باید حداکثر تکیه را بر موارد مشخص خیانت رهبران رفرمیست در مبارزات سندیکایی گذاشت.

4- در همین دوران تدارک ضروری است از طریق جلسات و گفتگو های خصوصی با کارگران دانسته شود که چند درصد از گرایشات موجود در میان کارگران حاضر به همکاری و اعتصاب میباشند و با کدامین تاکتیکها میتوان اکثریت گرایشات کارگری را در اعتصاب همراه کارگران انقلابی کرد.

5- خواستهای اقتصادی باید برای

توده های کارگر روشن و قابل هضم باشد. این خواستها باید منعکس کننده وضعیت مشخص آنان باشد. این خواستها باید قبلاً با کارگران به بحث گذاشته شود تا بعد به شعارهایی بدل شوند که اکثریت کارگران را به میدان بکشاند و مینای جبهه واحد و عمل مشترک ایشان شود.

6- در دوران تدارک جلسات منظم تشکلهای کارگری میتواند نقش مهمی ایفا کنند به شرط آن که اینان زیر نفوذ رهبران رفرمیست و ارگانهای سازشکار و همدست نباشند.

7- تشکلهای کارگری و اپوزیسیون های انقلابی باید به دقت مراقب کار و رابطه خود با توده های کارگری در کارخانه باشند و علیه هر گونه کاغذ بازی و جدایی از توده ها که مانع واکنش سریع و فوری نسبت به تحولات داخل کارخانه است به طور جدی مبارزه کنند.

8- تشکلهای کارگری و اپوزیسیون انقلابی باید تمام تدارکات را طوری انجام دهند که ضرورت ایجاد ارگانهای رزمنده برای رهبری مبارزه بتواند در پایین در میان توده کارگران احساس و پیشنهاد شود و به موضوع بحث تمام موسسات صنعتی بدل گردد.

9- اگر امکان تعطیل کارخانه ای می رود باید با شعار "ایجاد کمیته های اقدام علیه تعطیل کارخانه" و با تاکید به روی خواستهای کارگران به میدان آمد. این کمیته های اقدام باید از میان کارگران موسسه صنعتی و صرف نظر از وابستگی های حزبی و عضویتشان در تشکل کارگری انتخاب شوند.

10- اگر وضع برای اعتصاب مساعد است و توده های کارگر سرشار از روحیه و مبارزاتی هستند، تشکیل "کمیته های اعتصاب" منتخب تمام کارگران باید

مورد حمایت قرار گیرد (حتی اگر اعتصاب تحت رهبری یک تشکل انقلابی باشد) کارگران چه متشکل چه غیر متشکل از هر گرایشی که باشند میباید در انتخاب این کمیته ها شرکت جویند.

11- همزمان با این باید اقدامات در میان توده ها علیه انتخاب کمیته ها از بالا به تبلیغ و تهییج شدیدی اقدام کرد. باید کوشش های دیوانسالاران سندیکایی را که میخواهند رهبری اعتصاب به کمیته های منتخب از بالا سپرده شود افشا کرد.

12- در مبارزات کارگری خطرناکترین کار دعوت آزمایشی به اعتصاب بر پایه احساسات به جای شعور است. رهبران یک اعتصاب نه تنها باید دانش کاملی از وضع صنعت مربوطه داشته باشند بلکه نیز باید کاملاً بدانند که در میان توده کارگران چه میگذرد. نکته مهم این است که دیر نجنبند و پشت سر توده ها حرکت نکنند بل بتواند اراده پیکارجویانه کارگران را به نحو احسن به کار گیرند و بدون آن که تدارکات لازم را فراهم آورده باشند اعتصابی اعلام نکنند.

13- مهمترین نکته البته انتخاب لحظه درست برای اعلام اعتصاب است. اگر لحظه درست از دست برود نتایج نامطلوبی به دست خواهد آمد. بنابراین شروع اعتصاب باید برای لحظه مساعدی تعیین شود. به نحوی که با اوضاع سیاسی اقتصادی، موقعیت زمان و مکانی، تناسب قوا، سیاست کارفرما و غیره خوانایی داشته باشد.

14- در دوره تدارک یک اعتصاب یا تعطیل کارخانه از سوی کارفرما تامین صندوق اعتصاب باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد به ویژه در کشورهایی که از قبل "صندوق اعتصاب" وجود نداشته است. و این نگرش نادرست است که پس از شروع اعتصاب به فکر کمک به اعتصابیون و کارگرانی بیفتمیم که با تعطیل کارخانه اخراج شده اند.

15- قابل ذکر میباشد کارخانجاتی که از طرف کارفرما تعطیل میگردد توسط کمیته ها و تشکلهای کارگری باید خواستهای فوری و قابل تحقق از

آدرس تماس با مسئولین  
حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

[Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین رمضانعلی)

[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئول خارج کشور (آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)

[x\\_magid@yahoo.com](mailto:x_magid@yahoo.com)

دبیرخانه (شراره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank  
- N. America

Routing Number : 121  
000 248

Account Number: 36 48  
46 88 52

قبیل اشتغال مجدد کارگران در صنایع مشابه یا شغل منطبق با تخصص کارگر توسط دولت و یا تامین بیمه بیکاری مکفی برای کارگران اخراجی تا زمان اشتغال مجدد روی میز کارفرما قرار بدهند.

زنده باد کارگران آگاه،  
زنده باد پیروزی اردوی کار\*

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!